

نشریه الکترونیکی نو قلم
سال دوم / شماره پنجم

نشریه‌ی علمی - دینی نو قلم

ویژه‌ی حوزه‌های علمیه‌ی استان اصفهان

سال دوم شماره پنجم
زیر نظر شورای سردبیری

ویراستار: مهدی حافظی

تهیه و نشر:

مرکز مطالعات اسلامی اصفهان وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شعبه‌ی اصفهان

مرکز مطالعات اسلامی، نشریه‌ی الکترونیکی نو قلم

سال دوم / شماره پنجم

پست الکترونیکی:

noghalam۲۴@yahoo.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

تبيين و ترویج معارف و آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) و تعمیق ایمان و باور دینی در زمره‌ی مهم‌ترین مأموریت‌های نهاد پر برکت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده است. انجام این مأموریت از یک سو به منابع انسانی خلاق و دانشور متکی است؛ دانشورانی که در بستر علمی و معنوی حوزه‌های علمیه پرورش یافته و توانمندی‌های لازم برای ارایه‌ی روشمند معارف غنی اسلام را کسب کرده باشند، و از دیگر سو، نیازمند قالب‌ها و بسترها، یا به تعبیر دیگر حامل‌ها و رسانه‌هایی است که نقش واسط را در مخاطبت با علاقه‌مندان این معارف ایفا نمایند و پیام ارایه شده توسط حوزویان و مبلغان را در قالب و شکلی مناسب به دست آنان برسانند.

مرکز مطالعات اسلامی اصفهان در پیشینه‌ی فعالیت‌های خویش به هر دو محور پیش گفته اهتمام ویژه‌ای داشته که انتشار نشریه‌ی الکترونیکی «نوقلم» از آن جمله است.

«نوقلم» یک نشریه‌ی تخصصی نیست، بلکه یک حامل فرهنگی است که ضمن توجه به محتوا و مضمون مطالب در راستای تبیین و ترویج معارف اهل‌بیت، به ارتقای توانمندی و مهارت طلاب و نویسندگان خود نیز می‌اندیشد و سعی دارد نشریه را به بستری برای کارورزی نوqlمان حوزوی تبدیل نماید. در همین راستا، نوشته‌ها و مطالب دریافتی را به ویرایش محتوایی و ادبی می‌سپارد و نتیجه‌ی اصلاح و ویرایش را نیز در اختیار نویسنده می‌گذارد تا بتواند در یک فرایند تعاملی با متخصصان نقاط قوت و ضعف نوشته‌ی خویش را دریابد و مسیر مهارت‌افزایی را در این میدان خطیر و پراهمیت با اطمینان بیشتری ببیند.

بی‌تردید، حضور این نشریه در فضای نشرالکترونیک فرصتی مغتنم برای ورود طلاب و فضلالی علاقه‌مند به حوزه تبلیغ مکتوب است و می‌تواند در تقویت بنیان‌های پژوهشی و توسعه و ارتقای مهارت‌های نوشتاری آنان مؤثر افتد؛ امری که در دروه‌ی نخست انتشار «نوقلم» تحقق یافته و به حضور تعدادی از طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در حوزه‌ی نشر و تدوین مقاله و ... انجامیده است.

«نوقلم» با حضور و همراهی همدلانه و عالمانه‌ی شما گرامیان چشم‌اندوزی روشن را فراروی خویش می‌بیند.

فریبرز راهدان مفرد

رئیس مرکز مطالعات اسلامی اصفهان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	نقش نماز در بهسازی زندگی / آزاده ابراهیمی فخاری
۲۶	ریشه‌های نمازگریزی / راضیه ذوالفقاری
۴۷	همسرداری حضرت زهرا (سلام الله علیها) / زهره عارفی فر
۶۳	نقش ولایتعهدی امام علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small> در گسترش تشیع / الهام طاهری
۸۰	سبک زندگی امام رضا <small>علیه السلام</small> / لیلا همایونفر

نقش نماز در بهسازی زندگی

آزاده ابراهیمی فخاری^۱

چکیده

انسان دارای دو بعد وجودی است، بعد جسمی و بعد روحی که پرداختن بیش از اندازه به یک بعد و به فراموشی سپردن بعد دیگر آن، مضمرات جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی فرد و اجتماع وارد می‌کند.

یکی از مهمترین مسائلی که مورد نیاز انسان است برقراری رابطه‌ی عاشقانه با خالق خویش است، که اگر به صورت مستمر در زندگی پیاده نشود اختلالات روحی و روانی زیادی به دنبال خواهد داشت.

بهترین عبادات، عبادات واجب هستند چراکه مستقیماً از سوی خالق و مسلماً متناسب با وضعیت روحی و روانی مخلوق تعبیه شده است.

۱- طلبه‌ی سطح دو مدرسه‌ی علمیه‌ی مجتهدیه امین.

از میان آنها، آنچه در روایت ما نیز به عنوان رأس و ستون دین شناخته شده است نماز است.

در این باره از سوی علمای دین تحقیقات و تألیفات زیادی انجام پذیرفته است ولی با توجه به اهمیت مسأله در دین مبین اسلام اهتمام بیشتری از جنبه‌های مختلف، می‌طلبد. در این مقاله سعی شده است به روش کتابخانه‌ای بعد از بیان پاره‌ای توضیحات درباره‌ی آداب، اهمیت و جایگاه نماز تأثیرات فردی و اجتماعی انجام صحیح این فریضه الهی، تبیین شود.

مقدمه

عبادت، عالی‌ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است. در اهمیت آن، همین بس که آفرینش هستی و بعثت پیامبران (عالم تکوین و تشریح) برای عبادت است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ «انسان و جن را نیافریدیم مگر برای عبادت».

بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن، دعوت به توحید در عبادت می‌کند نه اصل عبادت، زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست ولی اگر راهنمایی نشود به جای غذا خاک می‌خورد و لذت هم می‌برد.

عظیم‌ترین تبلور عبادت در نماز، تجلی می‌کند؛ آنگاه که عبد با تمام وجود در برابر معبود می‌ایستد و آن‌سان که مولا فرموده با تمام اعضاء (جوارح و جوانح) اظهار نیاز می‌کند. نماز اوج معراج انسان، راز و نیاز با خدای سبحان، موجب نزول رحمت یزدان، سنگر مبارزه با نفس و شیطان، بازدارنده‌ی انسان از خطا و عصیان، وسیله‌ی تقرب پارسایان و رمز بندگی مخلصان است.

صلوه از ماده‌ی (ص-ل-ی) در کتب لغت به معنای سوختن و بریان کردن آمده است.^۱ گفته‌اند این واژه، ریشه‌ی دو معنایی دارد یکی به معنای آتش و آنچه مانند آن گرمی دارد و دیگری نوعی عبادت است.^۲

راغب می‌نویسد:

«بسیاری از اهل لغت می‌گویند: صلوة یعنی دعا کردن، تبریک گفتن و ستایش کردن و صلاتی که به معنای عبادت خاص می‌باشد [نماز] در لغت به معنای دعاست و به دلیل دعاهایی که در ضمن نماز است به این نام نهاده شده است.^۳

گفته شده صلوة در لغت به معنای کرنش کردن و بزرگ داشتن است و صلاة از جانب خدا، مهربانی است و از جانب فرشتگان، طلب آمرزش و از جانب انسان، رکوع و سجود کردن و از جانب پرندگان ذکر و تنزیه الهی می‌باشد.^۴

شاید بتوان گفت که آنچه بین آتش و نماز ارتباط برقرار می‌کند خاصیت سوزاندن است و با مترادف‌های آن مانند احتراق و ... تفاوت دارد. (صَلَى) به سوزاندنی گفته می‌شود که برای جلا دادن و درخشنده کردن به کار می‌رود مانند ذوب کردن طلا برای بالا بردن عیارش. آتش جهنم نیز از آنجا که برای پاک کردن انسان است تا لیاقت ارتقاء درجه بیابد با (صلوا) تعبیر شده است.

﴿خُذُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ﴾^۵ «او را بگیرید و در غل و زنجیر کنید سپس او را در دوزخ بیفکنید».

۱- بندرریگی، محمد، منجد الطلاب، ماده‌ی (صَلَى).

۲- زکریا، احمد بن فراس، معجم مقانیس اللغة، ماده‌ی (صلی).

۳- راغب اصفهانی، مفردات، ماده‌ی (صلی).

۴- ابن منظور، لسان العرب، ماده‌ی (صلی).

۵- الحاقه / ۳۱.

نماز هم از آن حیث که سوزاننده‌ی گناهان و سبب تقرب و رفعت مقام صاحبش خواهد بود از این ریشه گرفته شده است.

جایگاه نماز در اسلام

کلمه‌ی «صلوه» در قرآن کریم ۷۸ مرتبه تکرار و از ریشه‌ی آن ۹۸ کلمه استعمال شده و مشتقات آن ۲۴ کلمه است. نفس تکرار در کلام خداوند تعالی نشان دهنده‌ی اهمیت و عظمت این مطلب و بیان کننده نقش عظیم آن در هدایت انسان است.

پس از قرآن مجید بهترین طریقه‌ی راهیابی به تمامی حقایق عالم هستی من جمله نماز، اهل بیت هستند. در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.
امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

«اول ما یحسب به العبد الصلوه فان قبلت قبل ما سواها»؛ «اولین چیزی که در قیامت مورد حسابرسی قرار می‌گیرد نماز است که اگر از آدمی پذیرفته شود بقیه اعمال نیز پذیرفته می‌شود».^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«ما من ليله الا و ملك الموت ینادی یا اهل القبور لمن تعبطون الیوم؟ فیقول الموتی انما نغبط المؤمنین فی مساجدهم لانهم یصلون و لا نصلی»؛ «هر شب فرشته‌ی مرگ ندا می‌کند ای اهل قبور! امروز به حال چه کسی غبطه می‌خورید؟ مردگان در جواب گویند ما به مؤمنانی غبطه می‌خوریم که در سجده گاه هایشان نماز می‌خوانند در حالی که ما نماز نمی‌خوانیم».^۲

۱ - محمدی، حمید، مفردات قرآن، ص ۱۹۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۷.

همچنین حضرت علی علیه السلام در وصف نماز می فرماید:

«انها لتحت الذنوب حت الورق و تطلقها اطلاق الربق و تشبهها رسول الله صلى الله عليه وسلم بالحمه تكون على باب الرجل فهو يغتسل منها في اليوم و اليله خمس مرات فما عسى ان يبقى عليه من الدرن»؛ «همانا نماز گناهان را چونان برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید. پیامبر اسلام صلى الله عليه وسلم نماز را به چشمه‌ی آب گرمی که بر در سرای خودمان جریان داشته باشد تشبیه کرد که اگر پنج بار خود را در آن شستشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند».^۱

آداب نماز در اسلام

هدف از طرح این مبحث برای رفع شبهه از اذهان آن عده است که می‌گویند چرا بسیاری از نماز گزاران را می‌بینیم که به راحتی اعمال خلاف شئون انسانی را مرتکب می‌شوند؟ چرا جوامع مسلمان همواره گرفتار معضلات اجتماعی هستند؟ علامه مجلسی آن دانشمند و اسلام‌شناس بزرگ می‌فرماید:

«اینها نماز نیست که خوانده می‌شود بلکه صورت نماز است چه وعده‌ی خداوند خلاف ندارد و چنانچه نماز حقیقی انجام می‌گرفت اثر و نتیجه‌ی (تنهی عن الفحشاء و المنکر) آن قطعی بود.^۲ از سوی دیگر باید گفت: اگر نماز گزاری مشاهده شود که گاهی مرتکب معصیتی می‌شود نمی‌توان حکم کلی درباره‌ی او صادر کرد، ای بسا که همان شخص اگر نماز نمی‌خواند به معاصی بزرگتری آلوده می‌گشت».^۳

۱- دشتی، محمد، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۲- شفیعی، سیدعلی، نماز درس زندگی، ص ۲۵.

۳- نجفی، گودرز، راز نیایش، ص ۶۴.

الف) آداب ظاهری:

معروف است که نماز چهار هزار حکم و مسأله دارد. یک هزار حکم در مورد واجبات و سه هزار حکم درباره‌ی مستحبات آن. برخی از مسائل و شرایط نماز عبارتند از:

طهارت که شامل: غسل، وضو، تیمم، رفع آلودگی از بدن و لباس و حتی الامکان تمام محل نماز است.
مراعات وقت نماز، قرار گرفتن به طرف قبله و گفتن تکبیر و خواندن حمد و سوره با طمأنینه و ...

پاره‌ای از این آداب ظاهری نیز از شریط کمال نماز است. به این معنا که نبودن آن در صحت نماز خللی وارد نمی‌کند، ولی رعایت آنها باعث تقرب بیشتر نمازگزار می‌شود. به عنوان مثال: پوشیدن لباس‌های پاکیزه، استفاده از مسواک، ایستادن در محلی که کسی یا چیزی از جلوی آدمی عبور نکند و بالا بردن دو دست تا محاذی گوش در حالی که دو کف به طرف قبله باشد و به طور کلی می‌توان گفت رعایت مستحبات و ترک مکروهات.

ب) آداب باطنی نماز:

برای نماز غیر از این صورت، معنایی و غیر از این ظاهر، باطنی است و چنانچه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آنها یا موجب بطلان نماز صوری یا نقصان آن گردد، همینطور از برای باطن آدابی است، که با مراعات نمودن آنها نماز معنوی را باطل یا ناقص می‌کند. چنانچه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی می‌شود.^۱ در این مجال به شرح مختصری از چند نمونه‌ی این آداب می‌پردازیم.

۱- خمینی، روح الله، آداب الصلوة، ص ۲.

از آداب باطنی که شرط صحت است می‌توان صحیح بودن هدف را ذکر کرد. کسب رضای الهی و انجام وظیفه باید هدف انسان در عبادت باشد از این رو عبادتی که از روی ریا یا کسب وجهه و خوشایند مردم باشد یا انسان انتظار ستایش از غیر خدا داشته باشد شرک است و موجب بطلان آن نیز می‌باشد.^۱

۱) حضور قلب: از مهمترین آداب باطنی که شرط قبولی نماز است حضور قلب است. کسی که در نماز حواسش پیش غیر خدا و پیش زندگی است چگونه به خود اجازه می‌دهد پایان نماز سلام کند. سرش این است که نماز گزار با خدا مشغول مناجات است پس با مردم نیست، در جمع دیگران نیست وقتی نمازش تمام شد و مناجاتش با خدای سبحان به پایان رسید از حضور خدا برمی‌گردد و در بین مردم قرار می‌گیرد و چون اولین بار است که وارد جمع دیگران می‌شود می‌گوید «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».^۲

۲) خشوع: دیگر از اموری که برای سالک در جمیع عبادت خصوصاً نماز که سرآمد همه عبادت است و مقام جامعیت دارد لازم است، خشوع است.^۳

از پیامبر اکرم ﷺ سؤال شد: خشوع چیست؟ فرمود: «التواضع فی الصلوة و أن یقبل العبد بقلبه کله علی ربه»؛ «فروتنی و خاکساری در نماز و این که بنده با تمام قلبش به سوی خدا برود».

۳) طمأنینه: از دیگر آداب مهمه‌ی قلبیه‌ی عبادات، طمأنینه است و آن عبارت است از آن که شخص سالک، عبادت را از روز سکونت قلب و اطمینان خاطر بجا آورد، زیرا که اگر عبادت را با حال اضطراب قلب و تزلزل به جا آورد قلب از آن عبادت منفعل نشود و آثاری از عبادت در ملکوت قلب حاصل نشود.^۴

۱- قرآنی، محسن، پرتویی از اسرار نماز، صص ۴۹ و ۵۰.

۲- جوادی آملی، عبدالله، اسرار عبادت، ص ۴۵.

۳- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۴.

۴- خمینی، روح الله، آداب الصلوة، ص ۱۶.

آثار دنیوی نماز

از آنجا که اسلام دین الهی و همه جانبه است و از جانب آفریدگار بزرگ انسان به پیامبر عظیم الشان الهی نازل گردیده است، به تمام جوانب زندگی انسان حتی زندگی مادی آدمی اهتمام ورزیده است چرا که دنیا را مقدمه‌ی پیشرفت معنوی می‌داند.

الف: آثار فردی

- ایجاد تمرکز: نماز حقیقی بهترین وسیله برای پرورش توجه و تمرکز در انسان است زیرا نمازگذاری که پیوسته و با تمام قدرت می‌کوشد تا ذهن خود را از تمامی آنچه غیر خداست منصرف و فقط به خدا متوجه کند، تمام نیروی فکری خود را در یک جا جمع می‌کند تا نمازش با خشوع و حضور قلب خوانده شود. این کار برای او عادت می‌شود و در هر موردی می‌تواند قوای ذهنی خود را متمرکز سازد، با توجه به آن که تمام پیشرفت‌های بشر در علوم عقلی و نقلی، نظری و عملی و اکتشافات و اختراعات محیرالعقول نتیجه همین تمرکز قوای ذهنی برای تحقق و کشف حقیقت است نماز می‌تواند عامل مؤثری در پیشرفت علم و معرفت و صنعت و هنر باشد.^۱

- وقت‌شناسی: وقت‌شناسی و زمان‌سنجی از مهمترین عوامل پیشرفت جوامع بشری است.

برنامه‌ریزی‌های شخصی و اجتماعی بدون سنجیدن زمان و شناسایی اوقات مناسب هر کار ممکن نیست. هر کاری در یک پاره از زمان صورت می‌گیرد. اگر این زمان، زمان مناسب آن است کار با موفقیت روبرو خواهد شد و اگر زودتر یا دیرتر از زمان خاص آن باشد دیگر آن اثر و نتیجه واقعی را نخواهد داشت.

۱- راشدی، حسن، نمازشناسی، ص ۱۳۲.

وقتی ما در سراسر عبادت خود علی‌الخصوص نماز که روزانه چندین بار باید به جا آوریم مقید و مواظب رعایت وقت باشیم، این مواظبت و مراقبت کم کم به دیگر کارهای روز و شب ما نیز سرایت می‌کند و ما را فردی دقیق و وقت‌شناس و آگاه و هوشیار بار می‌آورد و بدین گونه سراسر زندگی ما مرتب و منظم می‌گردد و در این صورت توسعه و برکت وقت و هدر نرفتن آن به خوبی ملموس و محسوس خواهد بود.^۱

- سلامتی بدن: دانشمندان ثابت کرده‌اند که بهترین نوع ورزش، ورزشی است که تکرار شود و در طول اوقات روز توزیع گردد، همچنین خسته کننده نباشد و انجام آن برای هر کسی امکان‌پذیر باشد که تمام این ویژگی‌ها در حرکات نماز فراهم است.

دکتر مصطفی حفار متخصص امراض دستگاه هضم و استاد دانشکده طب فرانسه می‌گوید:

رکوع در تقویت عضلات دیواره شکم بسیار مفید است و به جمع شدن معده کمک می‌کند و آن را در کار هضم یاری می‌دهد همچنین روده‌ها برایشان رفع فضولات هضمی به صورت طبیعی حاصل می‌شود.^۲

حال اگر انسان علاوه بر نمازهای واجب نمازهای مستحبی را نیز در جای خود ادا نماید دیگر این فوائد به طور اکمل بر او عارض خواهد شد. از میان نوافل یومیه مهمترین و ذی‌قیمت‌ترین نمازها، نماز پرفضیلت شب است (اللهم ارزقنا) رسول بزرگوار اسلام در این زمینه می‌فرمایند:

«علیکم بصلاه اللیل فانها سنه نبیکم و دأب الصالحین قبلکم و مطرده الداء عن اجسادکم»؛ «نماز شب را به پا دارید زیرا نماز شب سنتی است از پیامبرتان رسول

۱- شفیعی، سیدعلی، نماز درس زندگی، ص ۴۳.

۲- نجفی، گودرز، راز نیایش، ص ۸۷.

الله ﷻ او رسم صالحان و پاکانی که قبل از شما بوده‌اند. نماز شب موجب رفع دردها از بدن شما می‌باشد.^۱

در این بخش دیگر از ذکر هزاران مستحبی که قبل و یا بعد از نماز وارد شده و مزایای فراوانی از نظر علمی بر آنها مرتبت است خودداری می‌کنیم که در این اوراق نمی‌گنجد.

- جلب روزی: در حدیثی از رسول خدا ﷺ می‌فرمایند:

«الصلاة اجابة للدعا و قبول للاعمال»؛^۲ «نماز موجب اجابت دعا و قبولی اعمال است.»

بنابراین به طور کلی نماز اهمیت بسزایی در اجابت دعای انسان دارد که این دعاها، هم می‌تواند مرتبط به مسائل مادی باشد و هم مربوط به معنویات که خیلی از اوقات مادیات مقدمه‌ای برای معنویات هستند. مثل کسی مال زیاد می‌خواهد برای انفاق.

در روایت است که:

«كذبَ من زعم انه يصلي صلاة الليل و هو يجوع لان صلاة الليل تضمن رزق النهار»؛^۳ «دروغ گفته کسی که بگوید نماز شب می‌خواند و گرسنگی می‌کشد زیرا نماز شب روزی روز را ضمانت می‌کند.»

و نیز از امام صادق نقل شده که فرمودند:

«صلوة اللیل تبیض الوجه و صلوة اللیل طیب الریح و صلوة اللیل تجلب الرزق»؛^۴

«نماز شب چهره را سفید، بوی را خوش و روزی را جلب می‌کند.»

- آرامش روانی: دکتر هوماس هایسلوپ می‌گوید:

۱- عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز، ص ۱۵۶.

۲- عزیزی، عباس، آثار و برکات نماز، ص ۲۸، به نقل از کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲.

۳- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۵

۴- عزیزی، عباس، جامع آیات و روایات نماز، ص ۱۵۸، نقل از علل الشرایع، ص ۳۶۳.

«مهمترین عامل خواب آرام بخش که من به عنوان یک پزشک می گویم، بهترین وسیله ای ایجاد آرامش در درون اعصاب انسان که تاکنون شناخته ام نماز است.»^۱

البته به جز نمازهای یومیه نمازهای واجب دیگر هم در این زمینه نقش مهمی دارند. به خصوص نماز آیات هنگامی که آیتی رخ نماید، یعنی وقتی زلزله ای واقع شود، ماه یا خورشید گرفتگی پیش آید به عبادت خدا باید ایستاد و نماز آیات خواند تا تصور نشود که عامل دیگری جز خداوند در این رابطه مؤثر است. خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

فقط نماز گزارانی که پیوسته نماز می خوانند و بر نمازهای خود مواظبت دارند صاحب روح و روانی مقاوم و پرتوان می گردند: ﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾^۲ «هنگامی که سختی به او می رسد جزع و فزع می کند و هنگامی که خیر به او می رسد منع کند، مگر نماز گزاران آنان که دائم در نماز عمر گذرانند.»

از دیگر مشکلات روانی که انسان را در همواره زندگی دچار بیماری های روانی می کند و تأثیرات سوئی در روح و روان آدمی به جا می گذارد، ناامیدی است و نماز بهترین و مؤثرترین وسیله برای تقویت روح امید در فرد و در نهایت تشکیل جامعه امیدوار و پویانده است چرا که در جمله جمله های آن امید موج می زند: «الله اکبر» با این جمله نماز گزار نیایش خود را آغاز می کند و برای عملی شکوهمند، سرفصلی لبریز از شکوه می سازد.

الله اکبر، خدا بزرگتر است. بزرگتر از آنکه به وصف در آید. بزرگتر از آنکه با خدایگونه های تاریخ مقایسه شود. بزرگتر از همه قدرت ها و همه نمودهایی که ممکن

۱ - راشدی، حسن، نماز شناسی، ص ۷۳.

۲ - معارج / ۲۲-۲۰.

است آدمی از آن بیم برد یا بدان طمع ورزد و بزرگتر از آنکه کسی بتواند سنت‌ها و قانون‌های تکوینی او را نقض کند. بنده‌ی خدا اگر این سنت‌ها را شناخته و با توجه به آنها راه و جهت تلاش خود را انتخاب کرده باشد از یادآوری این که خدا بزرگتر است (نیروی عجیب، می‌گیرد و امید می‌یابد. او کاملاً حس می‌کند که تلاشش موفق و فرجام کارش نیکوست و به آینده خود و راهش با خوش‌بینی و امیدواری نظر می‌افکند).^۱

- کسب فضائل اخلاقی: نماز عامل کسب بسیاری از خصوصیات نیک اخلاقی است از جمله:

کبرزدایی: حضرت علی می‌فرماید:

«فرض الله الايمان تطهيراً من الشرك و الصلوة تنزيها عن الكبر»؛ «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان‌ها از شرک واجب کرده و نماز را برای پاکسازی از کبر».^۲

عزت نفس: طبیعی است که اتصال به عزیز مطلق و قدرت بی‌نهایت به انسان عزت می‌دهد.

مهربانی: نمازگزار یک بار در بسم‌الله و بار دیگر در سوره‌ی حمد خدا را به دو صفت رحمان و رحیم می‌ستاید و اگر از نمازش غافل نباشد قهراً در کسب این صفت خدایی و تخلق به اخلاق الهی خواهد کوشید و در نتیجه مهربان‌ترین مردم خواهد شد و از قساوت و سنگدلی و بی‌رحمی و بی‌مهری برکنار خواهد ماند.^۳

۱- خامنه‌ای، سیدعلی، از ژرفای نماز، ص ۱۸.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، ص ۲۵۲.

۳- انصاریان، حسین، سیمای نماز، ص ۸۳.

ادب: هنگامی که به نماز ایستاده‌ای باید طمأنینه و آرامش بدن حفظ شود تا به خود آیی که ادب سرمایه زندگی است چه ادب و وقار در برابر ذات اقدس احدیت و چه در میان مردم و بندگان خدا.^۱

آری نماز، انسان را به تمامی جهات معالی الاخلاق رهنمون می‌سازد و اگر به صورت حقیقی و درست و کامل ادا شود به راستی می‌تواند کارخانه انسان‌سازی و وسیله تخلق به اخلاق الله باشد.

ب- آثار اجتماعی - سیاسی:

- رعایت حقوق دیگران: از بزرگترین معضلات اجتماعی، قانع نبودن انسان‌ها به حق خویش و میل تجاوز به حقوق دیگران است و باعث تنش‌های زیادی در جامعه به می‌شود. اسلام برای رفع این معضل، تدابیر حکیمانه‌ای را اندیشیده است و راه کارهای مختلفی را ارائه داده است و از آن جهت که نماز را ستون دین و معیار پذیرش بقیه اعمال دانسته‌اند قبول نماز را منوط به رعایت یک سری مسائل و احکام دانسته‌است.

اگر نماز حقیقی به معنای واقعی از سوی آحاد افراد جامعه اقامه شود ما در جامعه اسلامی شاهد این مفاسد اقتصادی نخواهیم بود.

به عنوان مثال نماز گزار باید در جایی به نماز بایستد و با لباسی نماز بگذارد که استفاده از آن برای نماز از نظر رعایت حقوق دیگران یا جهات دیگر ممنوع نباشد.

از امام رضا: منقول است:

«من صلی و لم یزک لم تقبل صلواته»؛ «هر کس نماز بخواند ولی زکات و مالیات اسلامی نپردازد نمازش قبول نمی‌شود.»^۳

۱- شفیعی، سیدعلی، نماز درس زندگی، ص ۵۹.

۲- بحار الانوار، ۹۶، ص ۱۲.

۳- انصاریان، حسین، سیمای نماز، ص ۸۳.

علاوه بر حقوق مادی یک سری حقوق معنوی نیز از جامعه بر گردن انسان است مانند رعایت ادب به خصوص در برابر بزرگان و بالاخص در مقابل پدر و مادر که شرع مبین اسلام در این خصوص توجه بسیاری را مبذول داشته است. امام صادق می‌فرماید:

«من نظر الی ابویه نظر مامت و هما ظالمان لم یقبل الله له صلوة»؛^۱ «هر که به پدر و مادر نگاه تند و خشم‌آلود کند اگر چه به وی ستم کرده باشند خداوند، نمازش را نمی‌پذیرد.»
و نیز پیامبر عظیم‌الشأن اسلام می‌فرماید:

«من اغتاب مسلما او مسلمه لم یقبل الله صلوته و لا صیامه اربعین یوما و لیله الا ان یغفر له و صاحبه»^۲ «هر کس غیبت مرد یا زن مسلمانی را کند، تا چهل شبانه‌روز نماز و روزه‌اش پذیرفته نیست مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد.»

- ایجاد وحدت: مسئله‌ی نیت در نماز درس هدفداری و وحدت کلمه در جامعه را در هر شبانه‌روز، پنج‌بار به ما تذکر می‌دهد، یک جامعه هدفدار می‌تواند یک شبه ره صد ساله طی کند، برخلاف جامعه‌های بی‌هدف و سرگردان که ممکن است صدسال بر گرد خویش بچرخند و باز به همان نقطه‌ی آغاز برگردند.
در نماز، همه دارای یک قبله‌اند و رو به یک سو دارند. همه یک هدف در سر و یک سخن بر زبان دارند، همه بر یک امیر وارد شده‌اند و پذیرای یک میهمان در خانه‌ی قلب خود هستند.

قبله، رمز وحدت و انسجام کل مسلمانان است و باعث تمرکز افکار و اعمال و موجب تمرکز قوای فکری و جسمی و تجمع عزم‌ها و بسیج اراده‌ها به جهت

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۸.

واحد و هدف مشترک و مقصد واحد است و از این طریق باعث سلوک به سوی «الله» معبود همه انسان‌ها بلکه مطلوب کل موجودات است.

مسلمین در سراسر جهان هر جا باشند باید روی به قبله نمایند و نماز خود را بدان سمت گزارند تا بدینوسیله درس عظیم اتحاد را فراگیرند و تمرین کنند.^۱ این مفهوم در تمامی جمله‌های نماز اعاده می‌شود و انسان را همواره متوجه این مطلب می‌سازد که او قطره‌ای از دریای بیکران مخلوقات الهی است و نباید خود را جدای از دیگران ببیند. مثلاً در جمله رب العالمین هم وجود عوالم و جهان‌های دیگر و هم خویشاوندی و پیوستگی این همه با هم احساس می‌شود. این رابطه و پیوستگی او را نسبت به همه موجودات مکلف و متعهد می‌سازد.^۲

- ایجاد نظم در جامعه: از نظر علم و تجربه، قطعی است که هرگاه مسائل تربیتی تحت شرایط و انضباط خاصی قرار نگیرد کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود و به بهانه‌ی هنوز فرصت و آمادگی روحی به دست نیامده تعطیل می‌گردد و یا موجب هرج و مرج می‌شود ولی به عکس، زمان‌بندی و انجام نماز در وقت معین به خصوص در نماز جماعت اثر قابل ملاحظه‌ای در ایجاد نظم اجتماعی، خواهد داشت.^۳

در روایات آمده است که پیامبر اکرم [در مورد نظم صفوف جماعت و اینکه بین نماز گزاران و صفهای نماز فاصله‌ی زیاد نباشد بسیار سفارش می‌فرمودند که همه به صورت منسجم و دوشادوش یکدیگر به اقامه‌ی نماز پردازند که این خود نیز عامل مؤثری در القای نظم و انتضباط در دیگر شئون زندگی اجتماعی خواهد بود.

۱ - شفیعی، سید علی، نماز درس زندگی، ص ۴۶.

۲ - خامنه‌ای، سید علی، از ژرفای نماز، صص ۲۰ و ۲۱.

۳ - عزیزی، عباس، اخلاق نماز گزاران، ص ۱۰۱.

- دوستیابی: از آثار اجتماعی نماز جماعت این است که سبب اجتماع مؤمنین در کنار هم می‌شود و آنان با یکدیگر آشنا و رفیق می‌شوند. امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از آثار هشت گانه رفتن به مسجد را اینگونه بیان می‌فرماید:

«من اختلف الى المسجد اصاب احدی الثمان: اخا مستفاد افی الله»؛^۱ «کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند یکی از امور هشت گانه‌ی ذیل نصیب او می‌شود. اول: برادری ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند ...»

- رفع مشکلات اجتماعی: رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اذا اصاب اهله حصاصه: قوموا الى الصلوه و قال: بهذا أمر ربی»؛ «چون مشکلی به اهل خانواده می‌رسید برای رفع آن می‌فرمود: برخیزید نماز بخوانید بعد فرمود: این دستور خدای من است.»

و همچنین نمازهایی وجود دارد که باید به جماعت خوانده شوند تا مشکلی از جامعه رفع شود و بارزترین مثال آن نماز باران است. در طول تاریخ اسلام بارها پیش آمده که به علت نباریدن باران خشکسالی پدید آمده اما با برگزاری نماز جماعت توسط انسان‌های والا و مردان الهی همچون سیل از آسمان باران نازل شده است.^۲

- نماز جمعه نمونه‌ای از یک عمل سیاسی اجتماعی: در مراسم هفتگی اجتماعی مسلمین، نماز جمعه، جایگاه والایی دارد و نه تنها عبادت، بلکه مظهر وحدت مسلمین و شکوه و عظمت اسلام است و آگاهی پیروان قرآن را بالا می‌برد و (نماز عبادی - سیاسی) محسوب می‌گردد.

نماز جمعه نمایش وحدت و قدرت مسلمانان و میعاد نماز گزاران مؤمن است. برکات و آثار سازنده‌ی تربیتی و اجتماعی این عبادت سیاسی بسیار است: تقویت

۱- نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۲۷ نقل از من لا یحضره الفقیه، ج ۱، باب فضل المسجود و حرمت‌ها، ص ۲۳۷، حدیث ۷۱۳.

۲- انصاریان، حسین، سیمای نماز، ص ۷۸ الی ۸۰.

روحیه‌ی اخوت و برادری، تشکیل نیروهای اسلام، رشد فکری- سیاسی مسلمانان، تقویت روحیه جمعی، مرکزیت بسیج مردم.^۱

آثار اخروی

- هنگام مرگ: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ان ملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ على الصلاة و يلقنه شهادة ان لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله في تلك الحاله العظيمة»؛^۲ «همانا ملك الموت شیطان را دم مرگ از کسی که حافظ نماز است دور می‌کند و شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت رسول خدا را در آن هنگام هولناک مرگ به او تلقین می‌کند.»

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«الصلوة شفيع بينه و بين ملك الموت»؛^۳ «نماز شفیع نمازگزار در نزد ملك الموت است.»

- موقف قبر: یکی دیگر از عقبه‌های هولناک جهان پس از مرگ عقبه‌ی قبر است. نماز که توشه‌ی عظیم آخرت است در این مرحله نیز به یاری انسان شتافته و چون چراغی، تاریکی قبر را به روشنایی بدل می‌کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«صلوة الليل سراج لصاحبها في ظلمة القبر»؛^۴ «نماز شب چراغی است در تاریکی قبر.»

و نیز می‌فرمایند:

۱- قرآنی، محسن، پرتویی از اسرار نماز، محسن قرائتی، صص ۲۲۱-۲۲۲.

۲- عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز، ص ۱۷۷ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۹.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۲.

۴- همان، ج ۷۸، ص ۱۶۱.

«ان الصلاة تأتي الى الميت في قبره بصورة شخص أنور اللون يُؤنسه في قبره و يدفع عنه أهوال البرزخ»^۱ «نماز به صورت انسانی سفید چهره وارد قبر میت شده و با او انس می گیرد و وحشت های برزخ را از او برطرف می کند».

- قیامت: نماز همچنان در قیامت نیز موجب روشنی و نور برای صاحبش است.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

«خمس صلوات من حافظ علیهن کانت له نوراً و رهانا و نجاه یوم القیامه»^۲
«کسی که بر نمازهای پنجگانه محافظت و مراقبت نماید این نمازها برای او در قیامت نور و وسیله نجات خواهد بود» و به وسیله نماز است که اجازه عبور از صراط و دخول در رضوان الهی به انسان داده می شود. «الصلاه جواز علی الصراط»^۳ (نماز جواز عبور از صراط است).

و نیز ایشان در حدیثی دیگر نماز را کلید بهشت معرفی می نمایند و می فرمایند:

«الصلاة ... مفتاح للجنة ممهور الحور العين و ثمناً للجنة»^۴ «نماز موجب فتح و گشایش درهای جنت برای او می باشد و مهریه حورالعین و ثمن و بهای بهشت است».

همچنین خطاب به ابوذر می فرمایند:

«ای اباذر! هیچ کس صورت و پیشانی بر قطعه ای از قطعات زمین نمی گذارد مگر این که آن قطعه ای زمین شهادت می دهد که آن شخص در آن زمین برای خدا سجده کرده و در آن دعا و نماز خوانده و مناجات کرده و او را با این شهادت، سرافراز و مفتخر و بهشتی می نماید»^۵.

- عامل رستگاری: امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

۱- عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز، ص ۸۸ به نقل از لآلی الاخبار، ج ۴، ص ۱.

۲- همان به نقل از: کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲.

۳- بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۶۸.

۴- همان، ج ۸۲، ص ۲۲۱.

۵- عزیزی، عباس، آثار و برکات نماز، ص ۱۶۶.

«الصلاة عمود الدين مثلها كمثل عمود الفسطاط اذا ثبت العمود ثبتت الاوتاد و الاطناب و اذا مال العمود وانكسر لم يثبت و تدُّ و لا طُنْب»؛^۱ «نماز ستون دین است مثل نماز همانند عمود و ستون خیمه است که هرگاه ستون ثابت باشد طناب‌ها و میخ‌ها و پرده‌ی آن ثابت است. هنگامی که ستون آن کج شود هیچ کدام از آنها استوار نمی‌ماند.»

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾؛^۲ «مسلماً کسی که خود را تزکیه کند رستگار می‌شود و نام پروردگارش را به یاد آورد و نماز بخواند.»

مسلماً آنچه گفته شد تنها قسمتی از آثار و برکات نماز در جهان پس از مرگ بود. علاقه‌مندان را به کتب روایی که مرجع احادیث نقل شده است ارجاع می‌دهیم. ناگفته پیداست که وقتی نمازگزار از آینده‌ی روشن خویش در جهان پس از مرگ آگاه می‌شود و آیات و روایات در این زمینه را بررسی می‌کند، شور و شفعی بسیار در قلب او پدید می‌آید که وی را به ادامه‌ی زندگی و تلاش روزافزون راغب می‌کند و در برابر مشکلات زودگذر زندگی دنیا مقاوم می‌گرداند.

نتیجه‌گیری

نماز خلاصه‌ی اصول مکتب اسلام و روشنگر راه مسلمانی و نشان‌دهنده‌ی مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها، راه‌ها و نتیجه‌هاست.

در آغاز روز، در نیمروز، در هنگام شب، مسلمان را طلبدن و اصول و راه و هدف و نتیجه را به زبان خودش به او فهمانیدن، او را با نیروئی معنوی و ادار به عمل کردن، این است نماز و این است که مؤمن را قدم به قدم و پله‌پله به قله‌ی

۱ - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۸.

۲ - اعلیٰ / ۱۴ و ۱۵

ایمان و عمل کامل نزدیک می‌سازد و از او عنصری ذی‌قیمت و مسلمانی واقعی می‌سازد.

آری نماز، نردبان مؤمن است «الصلاة معراج المؤمن» و جامعه‌ی نمازگزار جامعه‌ای است پاک.

در مملکتی که همه به معنای واقعی اهل اقامه نمازند از ظلم، تجاوز، بغی، فحشاء، منکرات، فساد، قساوت، بدبینی، بی‌اعتمادی، دزدی و چپاول و ... خبری نیست.

در آن مرز و بوم که مردمش متوسل به نمازند از دادگستری‌های عریض و طویل و پرونده‌های جنایی اثری نیست.

ملتی که در آن، حقیقت نماز حکمفرماست بحثی از زندان و زندانیان نیست، بدهکار مال مردم را می‌دهد و طلبکار آسایش و امنیت دارد.

کشور با نماز نمونه‌ای از بهشت آخرت و ملت بی‌نماز دچار انواع بدبختی‌ها و مفساد است.

این همان غایت آمال و مدینه‌ی فاضله‌ای است که مردم حق‌جو و عدالت‌خواه در جستجوی آن هستند و چه اشتباه است که ما با داشتن این منبع عظیم معارف

چشم به دست بیگانگان بدوزیم تا حقوق بشر را به جامعه‌ی ما بیاورند!!!

«آب در کوزه و ما تشنه‌لبان می‌گردیم»

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. دشتی، محمد، نهج البلاغه، قم: انتشارات صفحه‌نگار، چاپ ۲، پائیز ۱۳۸۰.
۳. ابن منظور، لسان‌العرب، قم: نشر ادب حوزه، محرم ۱۴۰۵.

۴. احمد بن فراس بن ذکریا، ابوالحسن، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، بی جا، ۱۴۰۴.
۵. انصاریان، حسین، سیمای نماز، انتشارات پیام آزادی، بی جا، چاپ ۲، ۱۳۷۷
۶. افراد، فواد، منجد الطلاب، ترجمه: بندریگی، محمد، انتشارات حر، چاپ ۲، تهران ۱۳۷۹
۷. جوادی آملی، عبد الله، اسرار عبادت، انتشارات الزهرا (س)، بی جا، چاپ ۱، آذرماه ۱۳۶۸
۸. خمینی، روح الله، آداب الصلوة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی جا، چاپ ۴، زمستان ۷۳
۹. خمینی، روح الله، رساله عملیه، انتشارات هاتف، مشهد، چاپ ۸، ۱۳۷۷
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، از ژرفای نماز، انتشارات بعثت، تهران، بی تا
۱۱. راشدی، حسن، نماز شناسی، ستاد اقامه نماز، ج ۲، چاپ ۴، آبان ۸۰، قم
۱۲. راغب اصفهانی، مفردات، دارالقلم، دمشق، بی تا
۱۳. شفیعی، سیدعلی، نماز درس زندگی، انتشارات خوزستان، چاپ ۲، ۱۳۷۳
۱۴. عزیزی، عباس، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، قم: انتشارات نبوغ، چاپ ۳، ۱۳۷۵.
۱۵. عزیزی، عباس، اخلاق نمازگزاران، قم: انتشارات نبوغ، چاپ ۱، ۱۳۷۴.
۱۶. عزیزی، عباس، آثار و برکات نماز در دنیا و برزخ و قیامت، قم: انتشارات نبوغ، ۱۳۷۹.
۱۷. قرائتی، محسن، پرتویی از اسرار نماز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

۱۸. کلینی، اصول کافی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسوه، چاپ ۳، ۱۳۷۵.
۱۹. محمدی، حمید، مفردات قرآن، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ ۲، ۱۳۸۱.
۲۰. نجفی، گودرز، رازنمایش، فوائد طبیبی و درمانی نماز، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، بی نا، چاپ ۱، ۱۳۷۲.
۲۲. برازش، علی رضا، المعجم المفهرس لالفاظ اصول من الکافی، تهران: منظمه الاعلام الاسلامی، چاپ ۱، ۱۴۰۸.

ریشه‌های نماز گریزی

راضیه ذوالفقاری^۱

چکیده

این تحقیق با عنوان «ریشه‌های نماز گریزی» در صدد تبیین این مطلب است که نماز از مهمترین و واجب‌ترین وظایف بندگان است و در هیچ زمان و به هیچ دلیلی، نمی‌توان آن را ترک کرد. اما در این میان ممکن است عواملی باعث دوری یا گریز از این فریضه الهی گردد.

بدین منظور این تحقیق در دو فصل به تبیین این مسئله پرداخته است.

در فصل اول عوامل درونی که باعث نماز گریزی می‌شود مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. و بیان خواهد شد که عدم آشنایی با ذات پاک و مهربان خداوند متعال، آشنا نبودن به فلسفه خلقت، عدم درک فلسفه و چرایی نماز، استفاده از شراب و قمار، توجیه کردن و بهانه‌تراشی خود فرد، عدم آگاهی از عواقب ترک نماز و اثرات اقامه‌ی آن و ... باعث نماز گریزی در فرد می‌شود.

و در فصل دوم بیان می‌شود که عواملی مثل برخورد ناشایست اهل مسجد و امام جماعت، بی‌توجهی خانواده نسبت به نماز، نشان ندادن جذابیت‌های نماز و متعلقات آن، سخت‌گیری‌های نابجا و ... از عوامل بیرونی است که باعث نماز گریزی در انسان می‌گردد.

مقدمه

۱- طلبه‌ی سطح دو مدرسه‌ی علمیه‌ی مجتهده امین.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي»؛ «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که با مخلوقش اظهار دوستی نمود با آن که از من بی‌نیاز بود.» خداوند بلند مرتبه‌ای که نیازی به راز و نیاز انسان ندارد اما برای آرامش بشر به او فرمان داده که خدایش را بخواند تا آرامش بگیرد، و بهترین وسیله رسیدن به آرامش را برای او نماز قرار داده است.

در همان زمانی که انسان، احساس خستگی و ناامیدی از همه جا و از همه کس می‌کند، نیرویی بیدار و هشیار او را هدایت به سویی می‌کند تا از همه این بی‌قراری‌ها رهایی یابد. این نیرو و این نشانه از درون هر کسی بر می‌خیزد و او را به سوی منبع آرامش می‌خواند که مورد رضایت حضرت حق تعالی و مایه آرامش خود اوست و آن نماز و راز و نیاز به درگاه معبود بنده نواز است که مایه صفای باطن و زیبایی ظاهر می‌شود.

هر کس که با آن انس بگیرد بیش از پیش مشتاق مناجات با خدای خویش می‌گردد.

در این میان البته گاهی ممکن است برخی عوامل چه از درون و چه از بیرون، باعث فاصله افتادن بین انسان و نماز گردد، که در این نوشتار به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

فصل اول: عوامل درونی نماز‌گزیزی

گاهی عواملی باعث می‌شود که فرد نسبت به نماز سست شده و از آن گریزان شود. در این فصل به برخی از عوامل درونی آن اشاره می‌کنیم:

۱- عدم آشنایی با ذات مقدس الهی:

یکی از عوامل درونی که باعث دوری و فاصله گرفتن از ذات باری تعالی و دستورات او از جمله نماز می‌شود، ناآشنایی با آفریننده‌ی مهربان است. وقتی که فرد با خداوند که آفریننده کل خلقت و نظام هستی است ناآشنا است، و یا روح خود را با غبار باور بی‌نظمی و بی‌هدفی در عالم، پوشانده و رنگ و روغن این دنیا او را از اصل خویش بدور داشته است، چگونه می‌تواند از خود توقع داشته باشد که رغبتی به سمت آفریننده خویش و به سمت نماز که فرمان خدا و مصداق صفا و ناز و نیاز است، داشته باشد. در چنین حالتی تنها خود فرد است که می‌تواند به خودش کمک کند. اگر در خلوت‌های خود، بجای کارهای بی‌هدف و مبتذل، کمی به خود فکر کند، در درون خود گوهری می‌یابد که هرگز نمی‌تواند آن را فراموش کند و آن گوهر، ذات خدای تعالی است که او را به سمت خود و اوامر خود می‌کشاند و او نیز در مقابل، بوسیله‌ی نماز، این کشش را اجابت می‌نماید.

۲- آشنا نبودن به فلسفه خلقت:

کم‌تر کسی است که این پرسش را از خود یا از دیگران نکرده باشد که هدف از آفرینش ما چه بوده است؟ مقصود از این تولدها و مرگ‌ها چیست؟ اگر ما انسان‌ها نبودیم چه مشکلی بوجود می‌آمد؟ و پرسش‌های دیگری که در ادامه‌ی این پرسش‌ها می‌آید. این پرسش‌ها هر گاه از ناحیه مادیین مطرح شود، ظاهراً هیچ پاسخی برای آن نیست، چرا که ماده و طبیعت اصلاً عقل و شعوری ندارد که

هدف داشته باشد، به همین دلیل آن‌ها خود را از این نظر آسوده کرده و معتقد به پوچی خلقتند، و لذا جای تعجب نیست که برخی از آنها دست به خودکشی می‌زنند. اما اگر فردی خدا پرست، این پرسش را مطرح کند با بن بست روبرو نمی‌شود، چرا که ایمان به حکمت خداوند از یک سو و توجه به فلسفه‌های اجزای روحی و فطری نظیر حس پرستش در وجود انسان از سوی دیگر، ما را مؤمن می‌سازد که هدفی بزرگتر از آفرینش انسان بوده است.^۱ و طبق روایات و آیات این هدف همان پرستش خدای متعال است. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲؛ «جن و انس را خلق نکردم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند».

پس وقتی بدانیم که آفرینش خداوند حکیم بیهوده نیست و هدفی را دنبال می‌کند، و هدف همان پرستش خدای متعال است، انجام واجبات و ترک محرمات برای ما راحتتر می‌شود و دیگر به دنبال علت و چرایی آن نیستیم. همانند فرزندی که چون می‌داند پدر و مادر برای او چیز بدی نمی‌خواهند، به دستورات آنها بدون چون و چرا پاسخ می‌گوید.

۳- عدم درک فلسفه و چرایی نماز:

یکی دیگر از عوامل درونی که موجب نماز گریزی می‌شود عدم درک یا درک ناقص از فلسفه نماز و چرایی آن است. اینکه اصلاً چرا نماز بخوانم؟ و اگر نخوانم چه اتفاقی می‌افتد؟ و پرسش‌هایی از قبیل. این عامل از جمله عاملی است که خود فرد، باید به آن توجه کند و به دنبال آن باشد. یعنی تقلیدی نماز نخواند، بلکه محققانه به عبادت خداوند پردازد. چرا که نتیجه‌ی هر کار تقلیدی ممکن است روزی ترک آن کار باشد. اما اگر انسان از روی تحقیق و علم، کاری را انجام دهد و با علت آن آشنا شود، آن را با علاقه انجام می‌دهد.

۱- وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار حکمت، ص ۹۹.

۲- ذاریات / ۵۶.

یاد خدا، ابزار شست و شوی گناهان، زدودن غفلت، شکستن کبر و غرور، ارتباط قلبی با پیامبر و مخلصان و صالحان، حرکت به سوی کار خیر^۱ و ... از جمله فلسفه‌های زیبای نماز است که اگر انسان به دنبال درک آن‌ها رود و آن‌ها را بفهمد و بداند، اشتیاقی نسبت به نماز در او بوجود می‌آید که دیگر بین او و نماز فاصله نمی‌اندازد.

۴- لهُو لَعِب:

از موانع تقرب بنده به خداوند متعال، غوطه‌ور شدن در لهُو و لعب است. از جمله مصادیق لهُو و لعب خمار و شراب است.

در قرآن کریم از شراب و قمار به عنوان موانع اقامه نماز و نمازگری یاد شده است. ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ لَمُيَدَّتْكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾؛ «جز این نیست که شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه افکند و از یاد خدا و از نماز بازتان دارد پس آیا دست بردار هستید؟»

در این آیه به صراحت شراب و قمار به عنوان پدیده‌های زشت و پلید و فتنه‌انگیز و از ابزار شیطان معرفی شده‌اند. متأسفانه در دوران کنونی مصادیق لهُو و لعب به نحو چشمگیری زیاد شده‌اند و همه‌ی اینها و خصوصاً شراب و خمار از شبکه‌ها و راه‌های به هم پیوسته شیطان است که شیطان به وسیله آن‌ها به جنگ انسانیت می‌آید و بدین وسیله آدمیان را از درون تهی نموده و بدبختی فرد و جامعه را فراهم می‌سازد. لذا قرآن دستور می‌دهد که بدون درنگ از این امور بپرهیزید.^۲ پس وقتی که فرد مواظب اعمال و حرکات و تمایلات نفسانی خود نباشد و دچار این مفاسد گردد، خود بخود از نماز فرار کرده و دوری می‌کند.

۱- وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار حکمت، ص ۱۰۷.

۲- غلامعلی نعیم آبادی، نماز زیباترین الگوی پرستش، ص ۸۵.

۵- توجیه کردن و بهانه تراشی خود فرد:

گاهی اوقات انسان هم عالم و آگاه به فلسفه خلقت و وجوب فریضه نماز است و هم از عقوبت‌های ترک آن با خبر است، اما به دلایل نامربوط و توجیه‌های غیر منطقی، نماز را ترک کرده و از آن گریزان است. تبعیت از جمع دوستان و اطرافیان ناباب، باور این که نماز به هیچ دردی نمی‌خورد، احساس حل نشدن مشکلات، برخورد نادرست بعضی از نمازگزاران و ...، از جمله مواردی است که به عنوان دلیل ترک نماز توسط برخی افراد، مطرح می‌شود که بی‌تردید فقط توجیهاتی نامربوط است و برای همه‌ی آن‌ها راه حل وجود دارد.

۶- عدم آگاهی از اثرات اقامه‌ی نماز و عواقب ترک آن:

می‌توان گفت یکی دیگر از علت‌هایی که باعث سستی کردن در امر نماز و نمازگریزی می‌شود، علم نداشتن به اثرات اقامه‌ی نماز و عواقب ترک آن است. بعضی افراد خصوصاً جوانان امروز، فکر می‌کنند که اگر نماز نخوانند اتفاق خاصی نمی‌افتد و در دنیا و حتی در آخرت نیز دچار مشکل نخواهند شد، در حالی که اگر واقعاً می‌دانستند که ترک نماز چه عواقبی در پی خواهد داشت و نماز خواندن نیز چه اثراتی در زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، از آن فرار نمی‌کردند، بلکه مشتاقانه و حتی از ترس عواقب ترک آن، به آن می‌پرداختند.

نورانیت دل و عقل، توجه به روز قیامت، تولی و تبری، آرامش قلبی و قدرت روحی، تقویت روح انضباط^۱ و بازدارندگی از فحشا و منکر^۲، از جمله اثرات ادای نماز است و طبق روایات پانزده بلا برای کسی که نماز را سبک بشمارد و آن را رها کند آمده است: برکت نداشتن روزی و عمر انسان، نتیجه نداشتن اعمال او،

۱- وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار حکمت، ص ۱۱۰.

۲- عنکبوت / ۴۵.

مستجاب نشدن دعا، تشنه و گرسنه از دنیا رفتن، تنگی قبر، ظلمت و تاریکی قبر و ... از جمله عواقب ترک نماز شمرده شده است.^۱

مگر خواندن نماز با مراعات آداب آن چقدر طول می کشد؟ و چه اندازه وقت شما را می گیرد؟ چه عجله ای دارید، به چه کار مهم تر از نماز می خواهید برسید؟ مبادا شیطان ما را بفریبد که فلان کار را بجای نماز انجام دهیم و نماز را رها کنیم، که به راستی هیچ عملی بالاتر و مهمتر از نماز نیست.^۲

۷- باور نداشتن به روز جزا:

انکار کردن قیامت و اعتقاد نداشتن به روز واپسین، یکی دیگر از علت های نماز گریزی است. کسی که قیامت را باور ندارد و آنقدر به دنیا وابسته شده و دنیا او را فریب داده که می گوید زندگی ما فقط همین است و در پس مرگ، چیز دیگری نیست، بالطبع از انجام اموری که به آخرت مربوط می شود فرار می کند. در حالی که قیامت، حقیقتی انکار ناپذیر است.

چنان که قرآن کریم می فرماید: ﴿اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيُمْرِئُهَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾^۳ «خداوند است که جز او معبودی نیست، قطعاً شما را به روز رستاخیز که شکی در وقوع آن نیست، گرد خواهد آورد، و چه کسی از خدا راستگوتر است؟»

۸ - غفلت:

۱- وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار حکمت، ص ۱۶۰.

۲- همان.

۳- نساء / ۸۷.

غفلت معنای روشنی دارد و منظور در اینجا، غفلت از خداوند متعال و اوامر و نواهی اوست، به عبارت دقیق‌تر غفلت عبارتست از: عدم توجه به آنچه که شایسته است قلب، متوجه اش بوده و آن را همراه خود داشته باشد.^۱ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مَّعْرُضُونَ... لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ﴾؛ «حساب مردم نزدیک شده در حالی که در غفلتند و روی گردان ... این در حالی است که دل‌هایشان در غفلت و بی‌توجهی فرو رفته است».^۲ زمانی که قلب انسان از آنچه که لازم است بدان توجه کند، خالی شود و بی‌تفاوت از آن بگذرد مانند آبی که لازمه‌ی آن شفافیت و پاکی است کدر شده و از اصل خود فاصله می‌گیرد و آن وقت است که به هر سمت و سویی می‌رود و به هر چیزی تمایل پیدا می‌کند و قلبی که اجازه ورود هر چیزی را به خود بدهد بدون شک جایگاه گناهان خواهد بود. عواملی همچون همنشینی با بدان و غافلان از یاد خدا، حضور در مجالس لهو و لعب، عدم توجه به لقمه‌ی حرام و حلال در زندگی، ناامیدی از رحمت خداوند متعال و ... عامل و زمینه‌ساز غفلت است که در اینجا مجال بحث درباره‌ی آنها نیست. بهر حال وقتی غفلت بر انسان عارض شد، قلب او را همچون سایه‌ای سیاه و تاریک فرا می‌گیرد و طبیعتاً اشتیاق او را نسبت به انجام اوامر الهی همچون نماز کم می‌کند و راه ورود هر چیزی غیر از انوار الهی را به خود باز می‌کند و قطعاً غیر انوار الهی، همه پوچ خواهد بود و انسان را از میل به خوبی‌ها و سرچشمه آنها که نماز است باز می‌دارد. چنانچه خداوند متعال در احوال ایشان می‌فرماید: ﴿فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ﴾؛ «ای پیامبر! آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه‌ور باشند و سرگرم بازی شوند تا

۱- باقری، اعظم، راه سعادت در احادیث و روایات، ص ۹.

۲- انبیاء/ ۱ تا ۳.

روزی که به آنها وعده داده شده است را ملاقات کنند و نتیجه‌ی کار خود را ببینند.»^۱

۹- گناه:

انجام انواع گناهان می‌تواند عاملی برای ترک نماز و نمازگیزی در فرد شود. وقتی که انسان برای بدست آوردن تقوا و کسب ایمان بیشتر تلاش نکند و در هر مجلس و هر جایی حاضر شود و در انتخاب دوستان خود دقت نکند، امکان ابتلا به انواع گناهان برای او فراهم می‌آید و وقتی دامن انسان به گناهی آلوده شد، راه آلوده شدن به گناهان دیگر برای او باز می‌شود.

دروغ، حسد، ریا، خیانت در امانت، غیبت، تهمت، ریختن آبروی مؤمن و ... از جمله گناهانی است که اصرار بر انجام یکی از آنها انسان را به گناه بعدی می‌کشاند و وقتی چنین شد شیطان مسلط بر فرد شده و او را از انجام واجبات خصوصاً نماز باز می‌دارد. نماز اساس دین است^۲ و شیطان مخالف دین. در روایت آمده است: نماز کوبنده شیطان است^۳ و شیطان از چیزی که او را بکوبد فاصله می‌گیرد و سپاهش را امر به فاصله از آن و انجام دستورات خود می‌کند.

۱۰- سرگرم شدن به دنیا:

یکی دیگر از علت‌های فرار از فریضه‌ی نماز، مشغول شدن دل و سرگرم شدن بیش از حد به دنیا است. امام علی علیه السلام فرمودند:

۱- زخرف / ۸۳.

۲- قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، ص ۸۰.

۳- همان، ص ۸۱.

«کسی که به قدر کفایت از دنیا بردارد در آرامش به سر برد و آن کس که در پی بدست آوردن مطاع بیشتری از دنیا باشد وسایل نابودی خود را فراهم کرده و به زودی از دست می‌رود.»^۱

امروزه بسیاری از مردم با ایجاد شغل‌ها و سرگرمی‌های کاذب خود را بی‌نیاز از انجام امور معنوی دانسته و چنان در بازی‌های دنیا غرق شده‌اند که گویی اصل و اساس زندگیشان دنیاست و اصلاً آخرتی وجود ندارد. فقط از صبح تا شب به فکر درآمد بیشتر برای خرید بهتر و خرید بهتر برای نمایش دادن برتر و در نهایت به دنبال کسب شهرت و خودنمایی هستند، اما به کجا چنین شتابان!

متأسفانه بیشتر محیط‌های امروزه به سوی دنیاگرایی و دنیادوستی و مسابقه در به دست آوردن تجملات، پیش می‌روند و برخی برای رسیدن به مقاصد دنیایی خویش راه‌های نامشروع را بر می‌گزینند. ایشان جوزدگانی هستند که تحت تأثیر محیط قرار گرفته و با این توجیه که همه‌ی مردم این کارها را می‌کنند و به دنبال این زر و زیورها هستند، خود را گول زده و غرق در شهوات و کارهای دنیایی شده‌اند.

قطعاً هنگامی که ملاک و معیار کارها جوّ عمومی جامعه باشد و همرنگ جماعت شدن دلیل انتخاب و رفتارهای انسان گردد او از حال و هوای الهی بیرون می‌رود و در کسب و کار خویش، خدای متعال را فراموش می‌کند و در نتیجه آلوده به هوس‌های شیطانی و تشویق به انجام انواع گناهان می‌شود.

۱۱- ناامیدی از رحمت خداوند:

یکی دیگر از علت‌هایی که باعث نمازگریزی فرد می‌شود احساس ناامیدی از رحمت و اسعه خداوند متعال است. برخی افراد به خاطر وجود مشکلاتی که در

۱- دشتی، محمد، نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام، خطبه ۱۱۱.

زندگی برایشان پیش می‌آید فکر می‌کنند که خداوند به آنان توجهی ندارد و صدای دعایشان را نمی‌شنود، لذا از رحمت خداوند مأیوس و ناامید می‌شوند، حس می‌کنند که دیگر مشکلشان حل نمی‌شود و چون راه حلی برای آن نمی‌یابند به رحمت باری تعالی شک می‌کنند و حتی از انجام اعمال عبادی چون نماز دلسرد شده و از آن ناامید می‌شوند و کم‌کم همین دلسردی باعث فرار ایشان از فریضه نماز می‌شود. در حالی که چنین نیست، خداوند متعال فرموده است: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.»^۱ اگر دعایی از نظر ما مستجاب نشد، دلایل مختلفی دارد، و نباید باعث شود که از خداوند متعال که از پدر و مادر دلسوزتر و مهربان‌تر و از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است، مأیوس شویم، که خود یأس گناه نابخشودنی است و در روایات، بزرگترین گناه معرفی شده است. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^۲ «ناامید از رحمت خداوند نمی‌شود مگر کافران.»

و در جای دیگر می‌فرماید: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۳ «از رحمت خدا ناامید نشوید، بدرستی که خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، بدرستی که خدای تعالی آمرزنده‌ی گناهان و به بندگان مهربان است.»

۱۲- غنا و توانگری:

میل به توانگری، بی‌نیازی و رفاه در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. اسلام نیز مسلمانان را تشویق به این نموده و از رفاه و

۱- بقره / ۱۸۶.

۲- یوسف / ۸۷.

۳- زمر / ۵۴.

بی‌نیازی به عنوان امر مهمی یاد کرده است. اما باید دید که توانگری یک امر کاملاً مثبت و مهم است یا امری نسبتاً مهم. بدون شک اسلام و هر چه که انسان را از یاد خدا باز دارد، مذمت می‌کند و هر کس باید متناسب با ظرفیت خود برای بدست آوردن رفاه تلاش کند. و هر جا که احساس کرد این دنیا و متعلقات آن، برایش هدف شده، بداند که مسیر را اشتباه انتخاب کرده است، همچنان که توانگری در جای خود حائز اهمیت است، اگر مانع ارتباط انسان با خدا شود مورد نکوهش خواهد بود. برخی انسان‌ها اگر از مال دنیا بی‌نیاز و غنی شوند گویی همه قدرت در دست ایشان است، و چنان با تکبر و غرور روی زمین راه می‌روند و با مردم برخورد می‌کنند که گویی همه زیردستان هستند و حتی نسبت به خالق خود حس بی‌نیازی می‌کنند و همین مال زیاد باعث دوری‌شان از خالق هستی و فرار از انجام امور معنوی و حتی نماز می‌شود. در حالی که این مورد نکوهش دین اسلام است. چنان که در آیات و روایات ارزشمندی رفاه مشروط به توجه به آخرت معرفی شده است.^۱

۱۳- لقمه‌ی حرام:

یکی دیگر از عواملی که باعث دوری و گریز از انجام فریضه نماز می‌شود. تمایل و استفاده از مال حرام است. البته خود میل به مال حرام و شبهه ناک در قرآن و روایات از وسوسه‌های شیطان معرفی شده است^۲ که در این جا مجال بحث نیست.

گاهی انسان به خاطر وسوسه‌های شیطان می‌گوید: من این اموال حرام را که به دست آوردم در راه‌های خیر استفاده می‌کنم و حتی اموالی را وقف می‌کند و یا به

۱- مقاله‌ی سطح دو حوزه‌ی علمیه با عنوان رفاه از منظر قرآن کریم.

۲- بقره / ۲۶۸ و ۲۶۱ و حدید / ۱۴.

حج و زیارت کربلا می‌رود و با این اعمال، خویش را فریب می‌دهد که: «اشکالی ندارد از هر راهی مال کسب کرده‌ای، مهم این است که اموال خود را در راه خیر مصرف می‌کنی.»^۱ اما این انسان، غافل است که شیطان که او را وسوسه به کسب روزی حرام کرده است بدون شک کم‌کم اجازه‌ی انجام امور معنوی و مذهبی هم به او نمی‌دهد و او را از انجام واجبات و حتی مستحبات باز می‌دارد. و حتی اگر کسی هم عملی انجام دهد به خاطر لقمه‌ی حرام، عبادتش پذیرفته نخواهد شد. چنانچه رسول خدا ﷺ فرمودند:

«کسی که یک لقمه حرام بخورد، تا چهل روز نماز او پذیرفته نمی‌شود و دعایش مورد استجاب قرار نمی‌گیرد.»^۲

نکته‌ی جالب‌تر این که در احوال یکی از علما نیز آمده است که بخاطر خوردن مال حرام در منزل کسی که به مهمانی دعوت بوده است، توفیق خواندن نماز شب از او گرفته شده است.^۳ آری کسی که شکمش از حرام پر شود جایی برای دریافت فیض الهی ندارد و میل به انجام امور معنوی و نماز در او کم شده و حتی گریزان از انجام آنها می‌شود.

فصل دوم: عوامل بیرونی نماز گریزی

عوامل درونی نماز گریزی بررسی شد. اکنون عوامل بیرونی که باعث نماز گریزی در فرد می‌شود، بررسی می‌گردد. یعنی همان عواملی که از محیط، روی فرد اثر زیان بار می‌گذارد و باعث دوری او از فریضه‌ی نماز می‌شود.

۱- برخورد ناشایست اهل مسجد و امام جماعت:

۱- قاسمی، محمدعلی، روزی حلال، ص ۱۴۷.

۲- همان، ص ۱۷۸.

۳- همان، ص ۱۷۹.

گاهی اوقات فردی دوست دارد نماز خود را در مسجد بخواند و این فرضیه‌ی الهی را به جماعت بجا آورد، اما متأسفانه گاهی برخورد اهل مسجد یا امام جماعت با او، باعث زدگی وی از مسجد یا حتی از نمازگزاران و خود نماز می‌شود. مانند:

◀ نگاه ناشایست اهالی مسجد به فرد به خاطر ظاهر مثلاً غیر مذهبی او

◀ عدم پذیرش و استقبال از فرد، توسط امام جماعت یا نمازگزاران

۲- بی توجهی خانواده نسبت به نماز:

گاهی خانواده‌ها نیز در ترک نماز فرد بسیار تأثیر دارند. وقتی که پدر و مادر در یک خانواده به نماز خودشان بی‌اهمیت باشند و آن را در رأس مسائل خود ندانند، به طور طبیعی برای فرد و بخصوص جوانی که در آن خانه است حس مهم بودن نماز به وجود نمی‌آید و این عامل در کنار عوامل دیگر حتی منجر به نمازگریزی نیز می‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خودتان عامل خیر باشید»، نمی‌شود بنده نماز را آخرین لحظات بخوانم اما توقع از فرزندم داشته باشم که نمازش را اول وقت بخواند. میسر نیست که من به نماز بی‌اعتنا باشم اما توقع داشته باشم فرزندم به نماز اعتنا کند.^۱

البته در خانواده پدر و مادر می‌توانند به طرز دیگری نیز موجب نمازگریزی جوان شوند.

مثلاً وقتی که پدر یا مادری با بد برخورد کردن و یا تحقیر کردن فرزند خود نسبت به برپا کردن نماز اقدام می‌کنند و یا با استفاده از زور او را مجبور به نماز خواندن می‌کنند، نه تنها باعث نمازگریزی در جوان بلکه باعث نفرت او از نماز خوانها و رفتارشان هم می‌گردد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

۱- جمعی از نویسندگان، نماز و تربیت، ص ۵۳.

«ان للقلوب شهوه و اقبالاً و ادباراً فاتواها من قبل شهوتها و اقبالها»؛ «قطعاً برای دل‌ها میل و اقبال و انزجاری ست، بنابراین سعی کنید دل‌ها را از ناحیه میل و رغبت بدست آورید.»^۱

پس اجبار کردن نه تنها اثری روی نماز خواندن یک فرد ندارد بلکه با اجبار، کسی را به سمت هیچ کار نیکی نمی‌توان دعوت کرد، بلکه باید اول اثری روی قلب و دل او گذاشت تا او اشتیاق پیدا کند و بعد خودش مشتاق به انجام آن شود.

۳- نشان ندادن جذابیت‌های نماز و متعلقات آن خصوصاً توسط مسئولین:

یکی از مشکلات اساسی که در زمان حاضر وجود دارد و عامل زدگی افراد و جوانان از نماز شده است همان وجهی ظاهری نماز است که متأسفانه درست نشان داده نشده است. مثلاً وقتی که امام جماعت به نماز می‌ایستد و ظاهری خوشبو و خوش سیما و خوش لباس ندارد و فردی او را می‌بیند، ممکن است فکر کند همه نمازگزاران چنین هستند و آنها ظاهری تمیز و آراسته ندارند. در صورتی که نظافت و آراستگی جزء ایمان و از دستورات مهم اسلام است، چنان که در روایت آمده است: «بنی الدین علی النظافه»؛^۲ «دین بر پایه پاکیزگی استوار شده است.» «و بئس العبد ذوره»؛^۳ «بدا به بنده کثیف و بی نظافت.»

وقتی مساجد دارای وضوخانه‌های تمیز با ظاهری زیبا و نمازخانه‌های نیکو و زیبا باشد و با هر فرش کهنه یا جانماز و مهرهای قدیمی پر نشده باشد، مسلماً عاملی برای تشویق افراد به نماز خواهد شد، چرا که همه به دنبال زیبایی هستند و در زیبایی کوشش فراوانی وجود دارد. همان‌طور که امروزه بازارها یا پارک‌ها و خانه‌های زیبا و تمیز، توجه این همه انسان را به سمت خود جلب کرده است.

۱- کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ با مخاطبان جوان، ص ۵۵.

۲- جباران، محمدرضا، علم/اخلاق، ص ۴۴.

۳- همان.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۱، در آن جا (مسجد) مردمانی هستند که دوست دارند پاک و پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. نکته جالب این آیه این است که منظور از «فیه» مسجد است یعنی مردمی که به مسجد می‌آیند، به عبادت مشغولند و دوست دارند خود را پاک و مهذب کنند و البته منظور در این جا هم طهارت ظاهری و هم طهارت باطنی (دوری از گناهان است).^۲

مطلب دیگر این که، متأسفانه بیشتر از آن که سیمای حقیقی و زیبا و دلربای نماز نشان داده شود، چهره‌ای خسته کننده و نامناسب از نماز نشان داده شده است و این امری است که بیشتر باید توسط مسئولین و متصدیان امر نماز بدان توجه شود. درست است که باید انسان‌ها از عواقب بی‌اهمیتی به نماز مطلع باشند، اما اگر جاذبه‌های نماز و زیبایی‌های آن بیشتر بیان گردد، برای جذب انسان‌ها و جوانان به نماز، بهتر و موثرتر است. بیان جلوه‌های نماز در آینده فردی و اجتماعی، بیان سیمای نماز از منظر قرآن و معصومین و دانشمندان، بیان اثرات فردی و اجتماعی نماز روی انسان و ... از جمله مسائلی است که می‌تواند جایگزین بیان بیش از حد عقوبت‌های ترک نماز در روی منبرها و کلاس‌های تعلیم و تربیت دینی شده و باعث تشویق انسان‌ها خصوصاً جوانان به نماز شود. بهتر است بیشتر از این که از عواقب انجام ندادن کاری کسی را بترسانیم، او را با زیبایی‌های آن آشنا کنیم.

۴- سخت‌گیری‌های نابجا:

یکی دیگر از عوامل نماز گریزی، سخت‌گیری بر است. وقتی که فردی نماز می‌خواند اما مثلاً در وضوی خود و یا در نماز خود یک نقص و اشکال کوچک یا حتی بزرگی وجود دارد و با برخورد بد یا نابجایی توسط اطرافیان و یا خانواده روبرو شود، شاید کمتر به

۱- توبه / ۱۰۸.

۲- بهرام‌پور، ابوالفضل، تفسیر یک جلدی مبین، ص ۲۰۴.

فکر اصلاح عمل خود بوده و بیشتر از طرز رفتار و سخت گیری بقیه نسبت به خود ناراحت شود. وقتی این عمل چند بار تکرار شود منجر به نماز گریزی فرد می گردد. در حالی که خداوند متعال به پیامبرش فرموده: «اگر خوش اخلاق نبودی مردم از دور تو پراکنده می شدند.»

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمودند:

«همان طور که بدن ها ملول و خسته می شوند و احتیاج به استراحت دارند، روح انسان هم گاهی خسته می شود»^۱.

این حکمت درخشان، نشان گر آن است که میزان و اندازه پیام ما و انتظارات تربیتی باید منطبق با کشش و ظرفیت مخاطب و معطوف به نیاز و میل باطنی او باشد. اندازه نگه داشتن و پرهیز از افراط و تفریط یکی از ظرافت های رسالت تبلیغی می باشد.

بنابراین پیام، هر چقدر ضروری و مقدس باشد وقتی بی جا بیان شود نه تنها اثر ندارد بلکه اثری معکوس خواهد داشت.^۲

۵- رفتارهای ناشایست و نامناسب اهل نماز:

بدرفتاری، دروغ، بدخلقی، عدم شکیبایی، بدگفتاری و ... از مشکلاتی است که متأسفانه در ظاهر نماز خوان ها بیشتر از بقیه مشهود است گرچه در باطن این طور نباشند و چون امروزه ظاهر افراد، معرف شخصیت ایشان است، کسی که با آنها روبرو می شود ممکن است فکر کند که همه نماز گزاران چنین هستند. از این گذشته، ظاهر انسان در باطن او اثر می گذارد. پس باید نسبت به نوع پوشش، نحوه ی گفتار، میزان صبر و خوش برخوردی و عمل به آموزه های دینی، مراقب و حساس باشیم.

۱- نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حکمت ۱۹۷.

۲- کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان شناختی تبلیغ با مخاطبان جوان، ص ۵۵.

چرا که رعایت نکردن این موارد، تأثیر بدی روی مخاطبان و اطرافیان ما می‌گذارد و اشتیاق آنها را نسبت به ارتباط با ما یا حتی شوق نسبت به انجام امور دینی و مذهبی و خصوصاً نماز کاهش می‌دهد.

۶- محیط فاسد:

همان‌طور که مکان زباله‌ها موجب پیدایش و رشد میکروب‌ها و بیماری‌ها می‌شود، محیط فاسد نیز یکی از زمینه‌های مهم ترک نماز می‌گردد. حال، این محیط می‌تواند محیط مدرسه یا دانشگاه یا محل کار باشد، که بخاطر اخلاقیات نادرست و برگرفته از شیطان، آلوده شده و یا می‌تواند محیط‌های جمعی دوستان و خویشاوندان باشد. به هر حال قرار گرفتن انسان در هر محیطی که رنگ و بوی الهی ندارد و فقط مجال انواع گناهان صغیره و کبیره است و موضوع بحث در آن فقط و فقط دنیاست و کسی در آن حرفی از نماز و اعمال دینی نمی‌زند، چنین محیطی می‌تواند عاملی برای ترک نماز و حتی فرار از آن باشد.

۷- همنشین و دوست ناباب:

در دین مبین اسلام برای انتخاب دوست و همنشین و حتی انتخاب همسر، ملاک‌هایی اساسی تعریف شده است که عدم رعایت آن‌ها برای زندگی انسان خطرناک خواهد بود. از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: بهترین دوست کیست؟ فرمودند: «کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند.»^۱

چرا که دوست اثر فوق‌العاده‌ای بر روی انسان می‌گذارد، دوستی که از معیارها و مواهب معنوی خصوصاً نماز بدور باشد، بدون شک با بیان دیدگاه‌های خود و

۱- قرآنی، محسن، دقایقی با قرآن، ص ۱۳۴.

القای آن به اطرافیان و دوست خود، خیلی ظریفانه باعث دوری فرد از اعمال معنوی و در نتیجه نماز گریزی می‌شود، بطوری که شاید خودش هم قصد کنار گذاشتن نماز را نداشته و از این همه تأثیر مبهوت می‌ماند.

در روایات آمده است، اگر در شناخت کسی به تردید افتادید، به دوستانش بنگرید که چه افرادی هستند. «فانظروا الی خلطائه.»^۱ در این روایت اهمیت دوست و همنشین به وضوح بیان شده است و نیازی به توضیح نیست.

۱- همان.

نتیجه گیری

نتیجه ای که از این تحقیق بدست می آید این است که، نماز از مهمترین و والاترین ارکان زندگی بشر محسوب می گردد که هر انسانی باید برای انس بیشتر با آن، همه تلاش خود را بکند و به دنبال رفع عوامل دوری از آن باشد.

عواملی چون، عدم آشنایی با ذات پاک و مهربان خداوند متعال، آشنا نبودن به فلسفه ی خلقت، عدم درک فلسفه و چرایی نماز، استفاده از شراب و قمار و ... از عوامل درونی است که باعث نماز گریزی فرد می گردد و برخورد ناشایست اهل مسجد و امام جماعت، بی توجهی خانواده نسبت به نماز، نشان ندادن جذابیت های نماز، سخت گیری نابجا بر فرد و ... از عوامل بیرونی است که منجر به نماز گریزی می شود. پس اگر کسی عوامل درونی و بیرونی نماز گریزی را بشناسد و سعی کند آنها را هم برای خود و هم اطرافیانش رفع کند، دیگر علتی برای فرار از فریضه زیبای نماز برای کسی باقی نمی ماند و انجام این امر الهی هم باعث آبادی و آبادانی دنیا و هم آخرت او می شود و طبق آیات قرآن کریم برای ایشان نه ترسی می ماند و نه اندوهی.

پیشنهادات

پیشنهاد می شود برای حل این مشکل نیکوست که ابتدا از همان مسئولان و متصدیان شروع کنیم که هدایت اصلی جامعه پس از امامان معصوم به عهده ایشان است، همان طلابی که سرمشق و الگوی مردم عادی هستند و همه چشم به رفتار و گفتار ایشان دارند، و بعد پدران و مادران را به اهمیت این موضوع متوجه سازیم، چرا که اگر علت هایی که باعث بوجود آمدن نماز گریزی می شوند حل شود دیگر کسی از نماز دل نمی کند و با عشق به آن می پردازد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: بهرام پور، ابوالفضل.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه ی امیرالمومنین علی علیه السلام، ترجمه: دشتی، محمد، چاپ چهارم، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ۱۳۸۶.
۳. باقری، اعظم، راه سعادت در احادیث و روایات، چاپ اول، قم: انتشارات مهدیه، ۱۳۸۴.
۴. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر یک جلدی مبین، چاپ اول، قم: انتشارات آوای قرآن، ۱۳۹۰.
۵. جباران، محمدرضا، علم اخلاق، چاپ اول، قم: انتشارات سنابل، ۱۳۸۳.
۶. جمعی از نویسندگان، نماز و تربیت، چاپ اول، قم: انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.
۷. فکری، شهناز، شیوه های تشویق نوجوانان و جوانان به نماز، چاپ اول، چهار محال و بختیاری: انتشارات آصف، ۱۳۸۷.
۸. قاسمی، محمدعلی، روزی حلال، چاپ اول، قم: انتشارات نورالزهرا (س)، ۱۳۸۸.
۹. قرائتی، محسن، دقایق با قرآن، چاپ نوزدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۹۱.
۱۰. (.....)، پرتوی از اسرار نماز، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.
۱۱. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان شناختی تبلیغ با مخاطبان جوان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز و احیای زکات، ۱۳۸۵.

۱۲. نعیم آبادی، غلامعلی، نماز زیباترین الگوی پرستش، چاپ اول، قم: انتشارات ستاد اقامه‌ی نماز، ۱۳۷۷.
۱۳. وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چاپ اول، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۳.
۱۴. مقاله رفاه از منظر قرآن کریم.

همسررداری حضرت زهرا (سلام الله علیها)

زهرة عارفی فر^۱

مقدمه

بی تردید ازدواج به دلیل انطباق و هماهنگی آن با طبیعت بشری، پیوند مهر و دوستی را برای انسان‌ها به همراه دارد و زن رکن اساسی این امر است و به دلیل لطافتی که در ساختار روحی خود دارد عمده‌ترین نقش را ایفا می‌کند. در این بین زنانی پاک و الهی پا به عرصه‌ی وجود گذاشته‌اند که نقش الگو و سرمشق برای دیگران را دارند؛ کامل‌ترین این بانوان حضرت زهرا سلام الله علیهاست.

حضرت زهرا علیها السلام نشانه کامل یک زن به تمام معناست و ازدواج حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام قطعاً هدفی عمیق با خود در بر داشته که همانا هم‌گامی دو انسان، در مسیری است که موجب کمال همه جانبه آنها می‌شود و ارائه نمونه‌ای والا از یک زندگی ایده‌آل با تمام مؤلفه‌های حقیقی آن است.

در روایات اسلامی، وظایفی برای زنان مؤمن ذکر گردیده است، به طور مثال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: جهاد زن این است که خوب شوهررداری کند.^۲

۱- طلبی سطح دو مدرسه‌ی علمیه مجتهده امین.

۲- بابویه قمی، الخصال، ج ۲، ص ۱۲۰.

فاطمه زهرا علیهاالسلام به عنوان برترین بانوی عالم هستی، همواره به عنوان الگویی برتر مطرح بوده و هست و ابعاد وجودی آن بزرگوار فراتر از حضور در زمان و مکانی خاص است. از آنجایی که فضایل اخلاقی انسان هرگز اسیر زمان و مکان نمی‌شود، این الگوی فضیلت برای همیشه تاریخ، شایسته‌ی پیروی و متابعت است؛ ولذا فراگیری درس زندگی، در مکتب انسان ساز این بانوی نمونه، توفیقی بس ارجمند و بزرگ است که هر کس را نصیب نمی‌شود و تنها کسانی لیاقت حضور در این وادی عشق را دارند، که جان خویش را سرشار از محبت او و فرزندانش کرده باشند. ما نیز بیاییم وضوی حضور گرفته، رو به قبله‌ی معرفت ایشان با فروتنی کامل زانوی ادب زده، جرعه‌ای از این کوثر بی‌پایان به کام جان بریزیم.

ویژگی‌های زنان مؤمن با نگاه به آموزه‌های عملی زندگی حضرت زهرا علیها السلام (الف) آرامش بخش همسر

برای یک زن، بزرگترین موفقیت و ارزش این است که معاون خوبی برای شوهر باشد و در تمامی شئون زندگی، خشنودی همسرش را به دست آورد و از هر امری که موجب ناراحتی شوهر گردد پرهیز نماید و با تدبیر و محبت و مهر، موجب آرامش خاطر شوهر گردد. چنانچه به عکس برای شوهر نیز بسیار با ارزش است که موجب آرامش خاطر همسرش شود و اصولاً هدف از ازدواج این است که همسران مایه آرامش همدیگر گردند. در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم می‌خوانیم: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا عَلَيْهَا﴾؛ «از نشانه‌های خدا این که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید.»

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: وقتی به خانه می آمدم و به حضرت زهرا علیها السلام نگاه می کردم، تمام غم و غصه هایم بر طرف می شد.^۱

حضرت فاطمه علیها السلام در آخرین روزهای عمرشان به حضرت علی علیه السلام فرمود: هنگام فراق، نزدیک شده است؛ سخنانی دارم که می خواهم با تو بگویم. حضرت علی علیه السلام فرمود: آنچه که دلت می خواهد بگو، آن حضرت بر بالین فاطمه علیها السلام نشست و دستور داد کسی داخل اتاق نباشد. سپس حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پسر عمو! آیا در این مدتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ابدأ!! به خداوند پناه می برم! ای دختر پیامبر، خداشناسی، نیکو کاری، پرهیز کاری، بزرگی و خداترسی تو، به حدی است که جای ایراد و خرده گیری نیست. [همسر عزیزم!] دوری و جدایی از تو برای من بسی ناگوار است، ولی مرگ را چاره ای نیست. به خداوند سوگند که تو مصیبت پیامبر خدا را برای من تجدید کردی، حقاً که فوت و از دست رفتن تو خیلی برای من سنگین و بزرگ است. انا لله و انا الیه راجعون به خداوند سوگند که این مصیبت دردناکترین و غصه دارترین مصیبتی است که هیچ تسلیت و تعزیتی با آن برابری نمی کند و جانشین آن نخواهد شد!^۲

ب) همراهی با همسر

حضرت فاطمه علیها السلام در تمام مبارزات همسرش اعم از مبارزات سیاسی و جنگ های نظامی، مایه امید و دلگرمی او بود؛ در غیاب شوهر، خانه و فرزندان او

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۸۱، حدیث ۲.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

را به خوبی اداره می‌کرد؛ با اشتیاق به انتظار بازگشت شوهر از جنگ می‌نشست و تمام سعی و کوشش خود را در راه آسایش او بکار می‌برد.

بطوری که، وقتی حضرت علی علیه السلام از جبهه باز می‌گردد، فاطمه علیها السلام به استقبال او می‌رود و با روی گشاده و لبخند حاکی از رضایت و افتخار به او می‌نگرد، لباس و شمشیر خون‌آلود او را می‌شوید و از حوادث میدان جنگ از او می‌پرسد و بدین وسیله نقش خود را در جهاد سرنوشت ساز اسلام و در تقویت روانی شوهر مجاهدش، ایفا می‌کند و ساعاتی را که آن حضرت در میان خانواده اش می‌گذراند، تمام خستگی‌های حاصل از جنگ‌های طاقت‌فرسا، از تن او می‌رفت و با خیال آسوده، خود را آماده اصلاح امور می‌نمود.^۱

پاسخ صریح و زیبایی علی علیه السلام به پیامبر ﷺ در فردای عروسی، مؤیدی است بر آنچه گفته آمد. وقتی پیامبر ﷺ از او پرسید که زهرا علیها السلام را چگونه یافتی؟ عرض کرد: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ». حضرت علی علیه السلام در این جواب کوتاه و عمیق فاطمه را بهترین یار و مددکار در طاعت حق معرفی می‌کند و هنگامی که پیامبر ﷺ همین پرسش را از فاطمه علیها السلام کرد، پاسخی شنید که حکایت از کمال رضایت و خشنودی زهرا علیها السلام می‌کند.^۲

تعاون در تقوا و نیکی یکی از ارکان زندگی مشترک علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بود؛ آن‌گاه که حضرت فاطمه علیها السلام می‌خواهد شدت علاقه و وفاداری خود را به شوهر مظلومش ابراز نماید می‌فرماید: علی جان! جانم فدای تو و جان و روح من سپر بلاهای

۱- حسینی، مرتضی، فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۱۶۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

جان تو، ای ابوالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.^۱

حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند: به خدا سوگند، هرگز کاری نکردم که فاطمه خشمگین شود؛ فاطمه هم هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد.^۲ هیچ‌گاه ایشان را خشمگین نکردند، زیرا می‌دانستند که اسلام می‌گوید: هر زنی که شوهرش را خشمگین کند، خدا نماز و روزه‌اش را قبول نمی‌کند، تا این‌که شوهرش راضی شود.^۳ و علی ابن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: زنی که شوهرش را خشمگین کند چگونه است؟ امام کاظم علیه السلام در پاسخ فرمودند: «لاتزال عاصیه حتی یرضی عنها»؛ «چنین زنی دائماً گناهکار است تا شوهرش از او خشنود گردد».^۴

ج) احترام به نظر همسر

یکی از جلوه‌های ممتاز حضرت زهرا علیها السلام، احترام به آراء و نظریات شوهر مکرمشان حضرت علی علیه السلام است، چنان‌که پس از ماجرای تلخ ثقیفه سران ثقیفه برای جلب افکار عمومی به فکر چاره افتادند تا بگونه‌ای از حضرت زهرا علیها السلام دلجویی نمایند؛ آنها اجازه ملاقات خواستند و تظاهر به جبران اشتباهات می‌کردند. فاطمه علیها السلام در تداوم یک مبارزه منفی همه‌جانبه، هرگونه پیشنهادی را رد می‌نمود، و موضع اعتراض با سکوت و بی‌زاری را ادامه می‌داد. روزی امام علی علیه السلام وارد منزل شد و فرمودند: فاطمه جان! خلیفه و عمر در پشت درب خانه، منتظر اجازه ورود می‌باشند، تا نظر شما چه باشد؟ حضرت زهرا علیها السلام در برابر شوهر فرمود: «قالت: البيت بیتک و الحره

۱- دشتی، محمد، نهج‌الحیاه، ص ۱۴۷.

۲- خوارزمی، المناقب، ص ۳۵۳.

۳- حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

۴- همان، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

زوجتک فافعل ما تشاء؛ «علی جان! خانه، خانه توست، و من همسر تو می باشم. هر آنچه می خواهی انجام ده.»^۱

و همچنین روزی که امام علی علیه السلام را برای بیعت به زور و کشان کشان به مسجد می بردند. حضرت فاطمه علیها السلام به ابوبکر گفت: آیا می خواهی شوهرم را از من بگیری، اگر این کار را بکنی موهای خود را پریشان کرده و پیراهن پیامبر را بر سر گذاشته و کنار قبر پیامبر رفته و شکایتم را پیش او می برم. در اینجا حضرت علی علیه السلام از ماجرا باخبر می شود و به سلمان می گوید: فاطمه علیها السلام را دریاب و سلمان که می بیند حضرت فاطمه علیها السلام برای نفرین علیه ابوبکر و اعمالش مصمم است به حضرت می فرماید: مرا امام علی علیه السلام فرستاد و فرمود که به شما بگویم: فاطمه علیها السلام به خانه بازگردید و از ناله و نفرین خودداری نمایید. وقتی آن حضرت پیام امام را شنید فرمود: حال شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه بازگردم، می روم و صبر می کنم و سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم.^۲

د) نیکو صدا کردن همسر

یکی از رموز موفقیت در زندگی مشترک این است که در پاره‌ای از مسائل جزئی، فراست و دقت نظر اعمال شود؛ چنان که صدا کردن همسر، یک امر بسیار روزمره در زندگی خانوادگی است، در صورتی که خطاب به همسر، احترام آمیز باشد، پژواکی از محبت و صمیمیت را در پی خواهد داشت.

وجود مبارک علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در رعایت این نکته نیز، الگو و سرمشق بوده اند. آن بانوی بزرگوار، نام همسر خود را با احترام یاد می کرد. گاهی

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۸.

۲- همان، ص ۴۷.

وی را با کنیه «ابالحسن»^۱ می خواند و گاهی با یاد قرابت نسبی «یا ابن عم» وی را ندا می داد و گاه با لقب شریف «یا امیر المؤمنین»^۲ او را فرا می خواند و در گاه مؤانست و بعضی از موارد دیگر نیز از سر حکمت، وی را با نام مبارکش می خواند و گاه نیز با سایر القاب شریفه از او یاد می نمود.

هرچند که در میان انبوه ارتباطات وسیع و گسترده‌ی زن و شوهر، خطاب نمودن همسر از ساده‌ترین جلوه‌های رفتاری و بسیط‌ترین فرمول‌های ارتباطی است ولی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نحوه، نوع و لحن خطاب و آمیزه‌های احساسی انعکاس یافته در خطاب و بکارگیری اسماء و القاب مناسب برای مخاطب قراردادن افراد، تأثیر عمیقی در واکنش‌های عاطفی افراد بر جای می‌گذارد و زن و شوهر نیز جهت تحصیل خرسندی و رضایتمندی خاطر از یکدیگر، بیش از هر چیز به کنش‌ها و واکنش‌های عاطفی مثبت و مناسب نیازمندند؛ لذا باید به همین مسائل به ظاهر ساده، ولی مهم نیز توجه نمایند.

به عنوان نمونه، فاطمه علیها السلام هنگام شکایت مرگ پدر و مشکلات سیاسی همسرش را این‌گونه خطاب می‌فرماید: «یا ابن ابی طالب»^۳ و با این خطاب، متذکر نسبت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود و هنگامی که می‌خواهد خبر رحلت خود را به علی علیه السلام بدهد، ایشان را با خطاب «یا ابن عم» فرامی‌خواند تا متذکر نسبت خود و علی علیه السلام شود.^۴

۱- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، حدیث شریف کساء.

۲- همان.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۲۵.

۴- همان، ج ۴۳، ص ۱۹۱.

ه) آرایش و زینت برای همسر

رسیدگی به وضع ظاهری به خاطر همسر از اصول زندگی یک زن و مرد مسلمان است و در زندگی علی علیه السلام و زهرا علیها السلام نیز این اصل خود را به خوبی نشان می‌دهد. نقل است پیامبر برای شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام دستور داد عطرهايي خوشبو تهیه کنند و زهرا علیها السلام نیز در داخل خانه دائماً معطر بودند.^۱

ط) ابراز محبت به همسر

شیرین‌ترین اوقات زندگی، لحظاتی است که انسان چشم به معشوق خود می‌دوزد و او را می‌نگرد و عاشقانه با او صحبت می‌کند و نهایت عشق و عاطفه خود را در کلام و نگاه ابراز می‌دارد.

زندگانی علی علیه السلام و زهرا علیها السلام پر است از این لحظات عاشقانه و شیرین. حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به همسرش می‌گوید:

«علی جان! جانم فدای تو! جان و روح من سپر بلای جان تو! یا اباالحسن همواره با تو خواهم بود. چه در خیر و نیکی به سر ببری، چه در سختی‌ها و بلاها گرفتار شوی، همواره با تو خواهم بود.»^۲

و چه نیکو کلام خود را به اثبات رسانید و جان خویش را در طبق اخلاص نهاد و فدایی علی علیه السلام شد.

ی) ایثارگری و تحمل مشکلات و سختی‌ها

حدود نه سال از دوره‌ی ده ساله‌ای که پیامبر اسلام ﷺ در مدینه بودند، حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام با هم دیگر زن و شوهر بودند؛ در این نه

۱- حسینی، مرتضی، فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲- دشتی، محمد، نهج‌الحیة، ص ۱۴۷.

سال، چیزی حدود ۶۰ جنگ رخ داد؛ در اغلب آنها هم حضرت علی علیه السلام حضور داشته اند؛ در این شرایط حضرت زهرا علیها السلام در خانه، فراق همسر و مشکلات زندگی فقیرانه را به تنهایی تحمل می نمود و علاوه بر این حضرت زهرا علیها السلام دختر رهبر و پیامبر است و احساس مسئولیت خاصی در زندگی می کند و حضرت علی علیه السلام را در تمامی شئونات زندگی درک می کند و مشکلات را به جان و دل می خورد.

همسر ایده آل، برای گرم نگه داشتن کانون خانواده، باید مهربان و ایثارگر باشد، دیگران را بر خود مقدم بدارد با سختی های زندگی و ناملایمات آن بسازد و با لبخند شادی آفرین خود، تاریکی حزن و اندوه را از دل شوهر بزداید.

همسرانی که امور رفاهی فراوانی به شوهران خود تحمیل می کنند، غافلند از این که توانایی های انسان حد و مرزی دارد و اگر شخص نتوانست از راه مشروع توقعات همسرش را بر آورده کند به ناگزیر از راه های نامشروع آن ها را تامین می نماید. چه خسارتی از این بزرگ تر که زن با توقعات نابجای خود، پای اموال شبهه ناک و حرام را به خانه خود باز نماید. البته، فلسفه این ساده زیستی را در حکایت زیر به خوبی می توان دریافت.

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت زهرا علیها السلام را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر دارد. در شگفت ماندم و گفتم: عجب دختران پادشاه ایران و قیصر روم بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زرین به تن می کنند، و این دختر رسول خداست که نه چادرهای گران قیمت بر سردارد و نه لباس های زیبا! حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس های زرین و تخت های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.»^۱

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۰۳.

اصولاً شالوده هیچ خانواده‌ای بدون گذشت و ایثار، استوار نمی‌ماند در خانه‌ای که تمام افراد آن در اندیشه منافع شخصی خود باشند و خبری از فداکاری نباشد، مهر و صفائی در میان نخواهد بود. در روایت دیگر آمده است که:

«شخصی به محضر پیامبر ﷺ رسید و گفت: گرسنه‌ام و دستم به جایی نمی‌رسد مرا سیر کنید. پس پیامبر ﷺ شخصی را به حجره‌های همسرانش فرستاد تا غذایی بیاورد اما دست خالی برگشت. حضرت علی علیه السلام زن گرسنه را به خانه خود برد و ماجرا را برای فاطمه علیها السلام بازگو نمود. در خانه به جز اندکی غذا برای کودکان نبود پس چراغ‌ها را خاموش کردند و غذا را جلوی فقیر گذاشتند و خود در تاریکی در کنار سفره دهان را تکان می‌دادند. فقیر سیر شد، در حالی که فکر می‌کرد دیگران هم با او هم غذایند. آن شب حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان گرسنه خوابیدند. صبح به نزد پیامبر رفتند و در این هنگام این آیه نازل شد: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾^۱ «و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند»^۲

و همچنین روایت کرده‌اند که امیر المؤمنین علیه السلام بعد از شهادت همسر گرامیش به مردی از بنی سعد فرمود: آیا نمی‌خواهی از وضع و حال خودم و فاطمه زهرا با تو سخنی باز گویم، (و چنین حکایت فرمودند):

«فاطمه در خانه من بود، و به تنهائی آب از چاه می‌کشید و در مشک کرده بدوش می‌گرفت و بخانه می‌آورد چندان که تسمه مشک او را مجروح کرده بود، و با آسیاب گندم را آرد می‌کرد به حدی که دست‌هایش آماس کرده و تاول زده

۱- حشر / ۹.

۲- حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۴۷.

بود، و آنقدر خانه را رفته و روئیده بود که جامه‌اش خاک آلود و کثیف شده بود، و چندان آتش در زیر دیگ روشن کرده بود که لباس‌هایش چرکین گشته بود و از این همه کار و زحمت آسیب و فرسودگی فراوان به او رسیده بود. روزی من به او گفتم: چه خوب می‌شد اگر نزد پدرت می‌رفتی از آن حضرت تقاضای خدمتکاری می‌کردی که تا حدی بار مشقتی را که از این همه کار بردوش تو است بردارد. فاطمه نزد پیامبر ﷺ رفت و دید جمعی خدمت آن حضرت نشسته و مشغول صحبت هستند، شرمش آمد که خواسته‌اش را بگوید و به منزل بازگشت و رسول خدا ﷺ فهمید که دخترش برای کاری آمده بوده ولی از روی آزرم برگشته است. فردای آن روز رسول خدا ﷺ به خانه ما آمد و فرمود: ای فاطمه دیروز چه خواسته‌ای داشتی که نزد پدرت آمدی؟ رسول خدا ﷺ پس از شنیدن ماجرا و درخواست ما فرمود: آیا می‌خواهید چیزی به شما بیاموزم که برایتان از خدمتکار بهتر باشد؟ هنگامی که آماده خواب شدید و یا به رختخواب رفتید سی و چهار بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوئید، و سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» بگوئید (تا بدین وسیله خستگی مفرط ناشی از کارهای روزانه از تن شما بیرون رفته و آرامش و نیروی دوباره برای کارهای روز بعد به جسم و جانتان باز گردد) در این هنگام حضرت فاطمه علیها السلام و گفت: «رضیت عن الله و عن رسوله، رضیت عن الله و عن رسوله». (من از خدا و رسولش راضی شدم من از خدا و رسولش راضی شدم برای آنچه خدا و رسولش به من عطا فرمودند راضی و خشنود شدم و هیچ شکایتی ندارم).^۱

۱- بابویه قمی، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۱.

ک) پرهیز از تقاضای نامقدور

در زندگی مشترک، توجه به ظرایف روان‌شناختی که مربوط به روحیه‌ی مردانه یا زنانه است، در رأس مهمترین عوامل مؤثر در استحکام خانواده قرار دارد. معمولاً اگر تقاضایی از سوی زنی در برابر همسرش مطرح شود و شوهر قادر بر پاسخ نباشد، نوع خاصی از احساس سرشکستگی را در خود خواهد یافت و این واقعیت روح او را خواهد آزد.

آن‌چه از سطور نورانی زندگی خانوادگی فاطمه علیها السلام به دست ما رسیده است، نشان دهنده‌ی این حقیقت است که فاطمه علیها السلام به این معنی توجه وافر داشته و این نکته‌ی ظریف را همواره رعایت می‌فرموده است چنان‌که در تاریخ زندگی معصومان‌هاش آمده است:

در یکی از صبحگاهان امام علی علیه السلام فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام برطرف شود؟ پاسخ داد: نه، به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دو روز است در منزل غذای کافی نداریم آنچه بود به شما و فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. امام با تأسف فرمود فاطمه جان چرا به من اطلاع ندای تا به دنبال تهیه غذا بروم؟ قالت فاطمه علیها السلام: «یا ابالحسن انی لاستحیی من الهی ان اُکلت نفسک ما لا تقدِرُ علیه»؛ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم چیزی را از تو درخواست کنم که تو بر آن توان و قدرت نداری.^۱

۱- بحرانی، سیدهاشم، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۲ و مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۱۰۲.

ل) تقسیم کار در خانواده

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده‌ها، تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده است. با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط کوچک خانواده سعادت می‌آفریند و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می‌دارد. امام محمدباقر علیه السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها السلام کارهای منزل را با حضرت علی علیه السلام اینگونه تقسیم می‌کرد که: خمیر کردن آرد و نان پختن و تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده فاطمه علیها السلام باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع آوری هیزم و فراهم آوردن مواد غذایی بر عهده علی علیه السلام باشد. در این باره امام صادق علیه السلام فرمود:

این تقسیم کار با اشاره رسول خدا ﷺ انجام گرفت، آن گاه که رسول خدا ﷺ فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه و کارهای بیرون منزل را علی انجام دهد. حضرت زهرا علیها السلام با خوشحالی فرمود: «فلا يعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال»؛ «جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم، زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت.»^۱ و شاید خوشحالی آن حضرت از این جهت بود که از برخورد با نامحرم به دور خواهد ماند، چه این که کار کردن غیر ضروری زنان و اختلاط زنان با مردان با روح تقوا بیگانه است. در روایتی دیگر، آن حضرت در پاسخ پدر بزرگوارشان که پرسیده بود: در کدام لحظه زن به خداوند نزدیک تر است؟ فرمودند: «ادنی ما تكون من ربها ان تلزم قعر بیتها...؛ نزدیک ترین حالات زن به خداوند زمانی است که در خانه خود می‌ماند.»^۲

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.

البته، روشن است در مواردی خروج زن از خانه ضرورت پیدا می‌کند. مثل مواردی که آن بانوی بزرگوار برای دفاع از حقوق غصب شده خود و شوهرش به مسجد یا دارالخلافت رفت و یا امور ضروری دیگر و ... و آنچه از آن مذمت شد، بیرون رفتن‌های غیر ضروری دختران و زنان است که قطعاً پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت و متأسفانه امروزه بسیار شاهد این گونه امور هستیم.

حضرت زهرا علیها السلام چون دیگر زنان جامعه کار می‌کرد، گندم را با آسیاب دستی آرد می‌نمود، نان می‌پخت کار روزانه را انجام می‌داد، به بچه‌داری و تربیت کودک توجه کامل داشت، تا این که هر دو دست آن یگانه‌ی روزگار زخم شد و به ناچار خدمت پدر رفت و عرض کرد: یا رسول الله! هر دو دستم به علت آرد کردن گندم با آسیاب دستی ورم کرده و زخم شده است دیشب تا صبح به آرد کردن گندم مشغول بوده‌ام و و ابوالحسن فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را نگهداری می‌کرد.^۱ قابل توجه است که حضرت علی علیه السلام علی رغم این که در طول روز در بیرون از منزل مشغول بوده‌اند در طول شب به نگهداری و بازی با کودکان مشغول بوده‌اند.

فاطمه زهرا علیها السلام در زندگی پر بار خویش، به کار و انجام وظایف خانوادگی و تربیتی توجه کامل داشت، نه تنها کار می‌کرد و نیازمندی‌های خانواده را بر طرف می‌کرد بلکه به تقسیم کار در خانواده و تحقق عدالت در محیط کوچک خانه و خانواده نیز اهمیت می‌داد.

سلمان فارسی می‌گوید:

فاطمه زهرا علیها السلام را دیدم که با دستان مبارک با آسیاب دستی گندم را آرد می‌کرد، جلو رفته پس از سلام، گفتم: ای دختر رسول خدا! خود را به زحمت مینداز، در

کنار شما خدمتکار منزلتان فضا ایستاده است کار منزل را به ایشان واگذار! حضرت زهرا پاسخ داد: رسول خدا ﷺ من سفارش فرمود که کارهای خانه را با فضا تقسیم کنم. یک روز او کار کند و روز دیگر من، دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من است.^۱

م) رازداری

ادب و احترام زن به همسر خود اقتضا می‌کند که نه تنها از بزرگ جلوه دادن کمبودهای خانه، خودداری کند، بلکه در حد امکان، کاستی‌ها را نادیده گرفته، آنها را کوچک شمارد و بیان نکند. هنگامی که اظهار ناراحتی، نتیجه‌ای جز رنجش شوهر ندارد، زن نباید کلامی در این رابطه بگوید. ایثار و محبت، اقتضا می‌کند که او خود به ترتیبی که می‌داند آنها را جبران کرده و زحمت مضاعف را بر همسر خود، تحمیل نکند.

روزی فاطمه علیها السلام به حضور پدرش رسید، در حالی که آثار ضعف و گرسنگی از چهره‌ی زهرا علیها السلام نمایان بود. رسول خدا وقتی این حالت را مشاهده کرد، دست‌هایش را به سوی آسمان، بلند نموده و گفت: خدایا گرسنگی فرزندم را به سیری تبدیل کن و وضع او را سامان بده. پیامبر اکرم ﷺ بدون این که زهرا علیها السلام سخنی به او بگوید از ضعف و گرسنگی او با خبر می‌شود که این خود یکی دیگر از نمونه‌های پایبندی به اساس و اسرار خانواده است که در حضرت زهرا علیها السلام به وضوح دیده می‌شود.

۱- همان، ج ۴۳، ص ۲۸.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۱۵۳.

منابع

۱. قران کریم.
۲. بابویه قمی، محمد بن علی، شیخ صدوق، الخصال، قم: جامعه‌ی مدرسین.
۳. بابویه قمی، محمد بن علی، شیخ صدوق، من لا یحضره فقیه، قم: جامعه‌ی مدرسین.
۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر البرهان، تهران: بنیاد بعثت.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه‌ی آل‌البیت.
۶. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مؤسسه‌ی طبع و نشر.
۷. حسینی فیروز آبادی، سیدمرتضی، فضائل الخمسه من الصحاح الستة، اسلامیه.
۸. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، مؤسسه‌ی نشر اسلامیه.
۹. دشتی، محمد، نهج الحیاه راه و رسم زندگانی از دیدگاه حضرت زهرا(س)، قم: امام امیر المؤمنین.
۱۰. روحانی علی آبادی، محمد، زندگانی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، مهام.
۱۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات صبا.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ بیروت.

۱۳. نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان.

نقش ولایتعهدی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در گسترش تشیع الهام طاهری^۱

چکیده

نقش ولایتعهدی امام رضا علیه السلام در گسترش تشیع، از رهگذر تاریخ نگاری همواره مسأله‌ای جذاب و مهم بوده است. در این بین نوشتار حاضر بر آن است تا نقش ولایتعهدی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را در تشیع ایران مورد بررسی قرار دهد.

۱- طلبه‌ی سطح دو حوزه‌ی علمیه‌ی مجتهدیه امین.

حضور بزرگواری چون امام هشتم شیعیان در ایران، آن هم در شرایطی که اوضاع سیاسی-اجتماعی به گونه‌ای بود که شهرت علویان در نقاطی از جهان اسلام، به ویژه ایران پیچیده، بود و در موقعی که آن تعصبات قومی و قبیله‌ای تا حدی زیاد در هم شکسته و بسیاری از علماء و فضلا و همچنین مردم عادی مشتاق زیارت آن امام همام بودند و بر قدم‌های مبارکشان سیلاب اشک را نثار می‌کردند مسلماً در جوّ علمی معنوی تأثیر بسیار زیادی خواهد گذاشت و از آن جا که مأمون نتوانست به اهداف خود برسد و در واقع نتیجه‌ای معکوس گرفت، این امر باعث شد تا مردم بیش از پیش مشتاق آن حضرت شوند و تشیع به معنای واقعی با حضور آن حضرت در ایران رونق بگیرد.

واژه‌های کلیدی

ولایتعهدی، تشیع، امام رضا علیه السلام، مأمون.

مقدمه

یکی از نکات غیرقابل انکار، آمدن امام رضا علیه السلام به ایران و مسأله‌ی ولایتعهدی ایشان در خطه ایران است. مردم این کشور به آل علی علیه السلام و امامان شیعه علاقه و محبتی خاص داشتند و زمینه مساعدی از نظر معنوی در دل‌های مردم ایران درباره علویان داشت. روش امام علی علیه السلام و سایر امامان شیعه، از امام حسن و امام حسین تا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که سال‌های سال از اواخر عمرش را در زندان خلیفه ستمکار می‌گذراند، زمینه‌ی مساعدی را فراهم ساخته بود که در جامعه‌ی اسلامی یا حداقل یک ناحیه، حکومتی نمونه‌ای از آنچه اسلام می‌خواست تشکیل شود و تحت نظارت امام و پیشوایی از خاندان علی علیه السلام قرار گیرد. در آن زمان چشم امید شیعیان به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بود. مأمون این امکان را بدون آن که متوجه باشد فراهم ساخت. او با این کار خود می‌خواست تا از موقعیت

علمی و اجتماعی حضرت رضا علیه السلام استفاده کرده و کارهای ایشان را تحت نظارت خود قرار دهد. به همین دلیل امام را از مدینه به مرو فرا خواند. امام از لحظه حرکت همیشه از روش‌های گوناگونی برای شناساندن شیعه بهره بردند. از جمله بیان حدیث معروف سلسله الذهب در نیشابور، که حضرت با این کار خویش، اعتقاد یک شیعه واقعی و اعتقادی را معرفی کردند و به محبت مردم به علویان جهت خاصی دادند. حضور امام در ایران و مسأله ولایتعهدی ایشان در تاریخ این سرزمین از اهمیت بسیاری برخوردار است.

شناخت امام رضا علیه السلام

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در سال ۱۴۸ در مدینه متولد شدند.^۱ مشهورترین لقب آن حضرت «رضا» است. البته ایشان القاب دیگری نظیر: صابر (به دلیل صبر ایشان در مصائب)، زکی (چون پاک، شریف و محترم بودند)، وافی (وفاداری ایشان)، سراج الله (چراغ خدا بودند و گمراهان را از سرگشتگی نجات می‌دادند)، قرّة العین المؤمنین (نور چشم مؤمنان)، صدیق (راستگو)، فاضل (کامل‌ترین و شایسته‌ترین فرد).^۲

نام پدر بزرگوارشان موسی بن جعفر الصادق علیه السلام ملقب به کاظم و نام مادر ایشان تکتم^۳ بود. کنيه آن حضرت «ابوالحسن» می‌باشد و چون این کنيه با کنيه پدرشان مشترک بود ایشان را «ابوالحسن دوم» نامیده‌اند، تا مردم بین آن دو فرق

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۷، البته ولادت ایشان را در سال‌های ۱۵۱ و ۱۵۳ نیز نقل کرده‌اند. رک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۷.

۲- شریف القریشی، محمدباقر، پژوهشی در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۴۴-۴۵.

۳- القاب دیگری برای نام مادر ایشان بیان شده است از جمله: خیزران، ارواء، نجمه، ام‌البین، همان‌جا.

بگذارند. امامت امام رضا علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارشان آغاز شد و بیست سال به طول انجامید. ایشان شیعیان را ده سال در زمان هارون، حدود پنج سال در زمان خلافت امین و حدود ۵ سال در زمان مأمون رهبری کردند. در سال وفات (شهادت) امام رضا علیه السلام اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. برخی سال ۲۰۲ و برخی سال ۲۰۳^۱ را سال رحلت آن حضرت دانسته‌اند. از نظر ماه هم، کلینی^۲ و شیخ مفید^۳ ماه صفر را بدون تعیین روز یاد کرده‌اند. نوبختی آخرین روز صفر را روز رحلت دانسته، به نظر می‌رسد شیعه، سخن نوبختی را پذیرفته است.

معنای لغوی و اصطلاحی تشیع

تشیع در لغت به معنای پیروی کردن است. و به مذهب تشیع نیز اطلاق می‌شود. زمانی شیعه علی علیه السلام در مقابل شیعه معاویه قرار گرفت، اما وقتی معاویه قدرت را به دست گرفت، واژه‌ی شیعه تنها بر پیروان امام علی علیه السلام اطلاق شد.^۴

مسیر تشیع از امام علی علیه السلام تا زمان امام رضا علیه السلام

اگرچه ریشه‌ی پیدایش تشیع به عصر رسول خدا باز می‌گردد، ظهور و تجلی گسترده این اندیشه و همچنین قوم و تمایز آن از دیگر جریان‌ها، در زمان حکومت امام علی علیه السلام روی داده است. بدین ترتیب، می‌توان عصر حکومت آن حضرت را دوره طلایی تاریخ تشیع به حساب آورد. بی‌تردید شهادت آن امام در رمضان سال چهارم هجری، شیعیان را در هاله‌ای از ابهام و ضعف قرار داد. ایشان با

۱- شیخ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۸۶.

۲- همان.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۲۱.

۴- به نقل از گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، ص ۵.

از دست دادن علی علیه السلام هم از رهبری پیشوای خویش محروم شدند و هم دستشان از قدرت کوتاه گردید.

امام حسن علیه السلام اگر چه توانست هدایت این حرکت را عهده‌دار شود ولی به واسطه‌ی صلحی که به ناچار با معاویه کرد، قدرت سیاسی و اجتماعی را از دست داد و این امر آثار نامطلوبی را در تاریخ تشیع بر جای گذاشت.^۱ - عصر امام حسن علیه السلام به لحاظ تحولات سیاسی به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول؛ در پی شهادت امام علی علیه السلام با حکومت امام مجتبی علیه السلام آغاز شد و تا صلح با معاویه ادامه یافت.

بخش دوم؛ شامل سالهای پس از صلح تا شهادت و مسموم شدن آن حضرت بود. بخش نخست، هر چند به لحاظ زمانی چند ماه بیشتر نپایید، در مقایسه با بخش دوم که نزدیک یک دهه ادامه یافت، برای تشیع بسیار با اهمیت بود؛ زیرا در طی این مدت، امام حسن علیه السلام بخش مهمی از قدرت سیاسی و اجتماعی را در اختیار داشت و این امر زمینه تحرک و فعالیت شیعیان را فراهم آورد. برعکس، دوره‌ی پس از صلح را می‌توان عصر محنت شیعیان به حساب آورد زیرا سخت‌گیری شدیدی نسبت به شیعیان اعمال شد و حاکمیت سیاسی به براندازی جریان تشیع همت گماشت. شهادت امام حسن علیه السلام دشوارترین مرحله از تاریخ تشیع در پایان دهه پنجم هجری محسوب می‌شود. - تشیع در زمان امام حسین علیه السلام را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول از شهادت امام حسن علیه السلام تا مرگ معاویه و بخش دوم از مرگ معاویه تا حادثه عاشورا. عصر امامت امام حسین علیه السلام به جز چند ماه با حکومت معاویه بود. مرگ معاویه نوید گشایشی برای شیعیان بود و آنان را به حرکت وا داشت. متأسفانه عمر این گشایش‌ها کوتاه بود و با شهادت امام حسین علیه السلام پایان یافت، اما حادثه عاشورا برخلاف اندوه بار بودن، دست‌آوردهای مهمی را

برای تشیع به دنبال داشت.^۱ - شیعه پس از حادثه عاشورا روزگار سختی را گذراند؛ از سوی حاکمان با سیاست‌های مرموزانه خود در پی بقا و تثبیت حاکمان و دلبستگی شدید مردم به دنیا، انحطاط فکری، دینی، سیاسی و اخلاقی جامعه بود. امام سجاد علیه السلام برنامه‌های متنوعی را در دوران امامتشان انجام دادند تا مردم را بار دیگر از بندگی دنیا به بندگی خدا هدایت کند.^۲ - امامان صادقین: با مشاهده انحراف‌های فکری - فرهنگی، تمام همت خویش را در تعلیم و تربیت و ترویج و گسترش فرهنگ اصیل بکار بستند. با تأسیس مکتب دینی به پیراستن عقاید اسلامی از انحراف پرداخته، با صاحب نظران ملل و نحل به بحث نشستند و بطلان عقاید آنان را آشکار کردند. آگاهی بر اوضاع و شرایط دوران امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد که دخالت نکردن مستقیم در مسائل سیاسی آن روز و پرداختن به اقدامات علمی، بهترین گزینه ممکن در آن شرایط بوده است.^۳ - در دوران امام موسی کاظم علیه السلام در تشیع فرقه‌های مختلفی پدید آمد که به اصل امامت معتقد بودند، ولی در تعداد امامان و برخی اعتقادات، اختلافاتی داشتند. در دوران امام کاظم علیه السلام برخی قیام‌های شیعیان مانند قیام شهید فخر داد که اهمیت بسیار دارد و بررسی نوع ارتباط آنان با امام، مورد اختلاف بوده است. برخی از شخصیت‌های شیعی این دوره در حوزه علم و سیاست نقش بارزی داشتند.^۴ رهبری شیعه در آغاز امامت امام رضا علیه السلام با اواخر خلافت هارون مواجه بود که به دلیل تظاهر هارون به بی‌طرفی در شهادت امام کاظم علیه السلام و آزادی نسبی امام رضا علیه السلام و نیز کشمکش امین و مأمون بر سر خلافت، زمینه مناسبی فراهم آمد تا امام رضا علیه السلام مورد توجه بیشتر شیعیان قرار گیرد، از همین رو دعوت از امام رضا علیه السلام به مرو، سیاستی بود تا خلیفه عباسی در پرتو آن برای امام و شیعیان محدودیت ایجاد و ارتباط بین

۱- همان، صص ۷۷-۷۸.

۲- همان، ص ۹۳.

۳- همان، ص ۱۰۶.

۴- همان، ص ۱۱۵.

آنان را کنترل نماید. اقدامات امام رضا علیه السلام تدبیری بود که برخلاف نظر خلیفه، بیش از پیش موجب تقویت و گسترش تشیع به ویژه در خراسان شد. پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام نیز از جمله اقداماتی بود که از سوی مأمون به منظور تخریب شخصیت امام و کاستن فعالیت‌های شیعه انجام شد، اما با درایت آن حضرت، مأمون در این طرح نیز شکست خورد.^۱

مسأله ولایتعهدی امام رضا علیه السلام

بدون تردید باید ولایتعهدی امام رضا علیه السلام را مهم‌ترین موضوع دوران زندگی آن حضرت به شمار آورد. بر مأمون بود، در این هنگام که حکومتش استقرار یافته، و امر خلافت بر او مستقر شده است، بنابر سنت خلافت و رسم پیشینیان خود، ولیعهدی برای خویش برگزیند، و این رسم را معاویه پدید آورده بود، که فرزندش یزید را جانشین خویش قرار داد، و از مردم برای او بیعت گرفت. و هم بر او لازم بود، که در گزینش ولیعهد، منتهای دقت را به کار برد و این اقدام را با شرایط دقیق دورانی که با برادرش اختلاف داشت و نیز زمان پس از آن هماهنگ سازد. برای او آسان نبود که از خانواده و فرزندان پدرش و یا دیگران هرکس را بخواهد به این مقام برگزیند، بلکه ناگزیر بود هر گامی که در این راه برمی‌دارد، جنبه‌های گوناگون آن را دقیقاً محاسبه کند و تجربه‌های گذشته را با آنچه در آینده پیش‌بینی می‌شود بسنجد و میان احساسات شیعیان علوی که بر پهنه خراسان و آن سوی آن، چیرگی داشتند، و احساسات متعصبانه عباسیان که عراق و پیرامون آن زیر سلطه آنها بود سازگاری و همسویی برقرار کند، بویژه این که گروهی از فرماندهان و یاران او، به تشیع گرایش داشتند و علویان را به حکومت و

۱- گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، ص ۱۲۱.

خلافت، از دیگران اولی و سزاوارتر می‌دانستند و بسا این‌که ذو الریاستین و برادرش حسن بن سهل که از نیرومندترین عناصری بودند، که در مقابله او با برادرش امین، از او دفع خطر کرده و اسباب پیروزی او را فراهم ساختند، هم از این گروه باشند و هر چند ما درباره تشیع ذو الریاستین و برادرش تردید داریم. ولی از سوی دیگر، برای مأمون مشکل بود که خلافت را از خاندان بنی عباس، بیرون برد و آن را در علویان یا دیگران قرار دهد، بلکه علی‌رغم این‌که او از جنبه نظری، نه از لحاظ عملی، گرایش به تشیع داشت، اما در راه حفظ مواریث خانوادگی و نگهداری ظاهر و باطن آنچه از طریق پدرانش به او رسیده بود، از هر کوششی کوتاهی نمی‌کرد.^۱

مهم‌ترین نکات اساسی مربوط به مسأله ولایتعهدی امام رضا علیه السلام عبارت است از:

- ۱- هدف مأمون از ایجاد این جریان
- ۲- موضع امام رضا علیه السلام در ناکام گذاشتن مأمون در رسیدن به این هدف.

هدف مأمون از طرح مسأله ولایتعهدی

آنچه از ظاهر این کار مأمون به دست می‌آید آن است که وی با ظرافت خاصی کوشید تا وانمود کند که در این اقدام، خلوص نیت دارد و از سرحق باوری نسبت به حق علویان و نیز علاقه وافری که به امام رضا علیه السلام دارد دست به این کار زده است. مأمون از نبوغ سیاسی بالایی برخوردار بوده و با تمامی مشکلاتی که از آغاز خلافتش بر سر راهش قرار گرفته بود توانست مرحله به مرحله مبارزه کرده و پایگاه خود را نیرومند و حاکمیت خود را استوار سازد. نکته دیگری که ورای

۱- فضل الله، محمدجواد، تحلیلی از زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)، ص ۱۲۰.

ظاهرسازی مأمون و نسبت به موضع مذهبی وی باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که در میان گرایش‌های مهم مذهبی موجود در عصر مأمون، غیر از شیعیان امامی و زیدی، می‌توان از اهل حدیث و معتزله نیز نام برد. در آن روزگار بازار تهمت به تشیع در میان سنیان چنان گرم شد که شخص مأمون نیز شیعه معرفی شد و در منابع به همین مذهب شناسانده شد. گفته شده که او علی‌الکلیه را مقدم بر تمامی خلفا می‌دانست. این امر سبب شد تا مأمون در تاریخ به عنوان یک فرد شیعی تمام عیار مطرح شود.^۱ مأمون در برابر اعتراضاتی که از سوی هواخواهان حکومت عباسی در مسأله ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) به او شد، مطالبی را بیان کرد که خطوط اصلی سیاست او را در این باره روشن می‌سازد:

مأمون در آغاز سخنان هدف خود را از این اقدام، خاطر نشان کرده است، بدین معنی که اگر امام رضا (علیه السلام) ولایتعهدی او را بپذیرد، الزاماً مشروعیت خلافت بنی‌عباس را پذیرفته است. این نکته که علویان خلافت عباسیان را به رسمیت بشناسند، خود امتیاز بزرگی برای آنها به حساب می‌آمد. بدین ترتیب اختلاف و دشمنی دیرینه‌ای که میان این دو خاندان وجود داشت خود به خود و به نفع عباسیان از بین می‌رفت. نکته دوم، این که با آوردن امام رضا (علیه السلام) در تشکیلات خلافت، فعالیت‌های آن حضرت کنترل و محدود شده و او دیگر نمی‌توانست خود را امام معرفی نماید، زیرا در این صورت مردم را نه تنها به پذیرش ولایتعهدی خود، بلکه حتی برای خلیفه‌ای که جانشینی او را پذیرفته بود می‌بایست دعوت نماید. بدین ترتیب جنبه‌ی استقلالی عنوان امامت آل علی برای همیشه از بین می‌رفت. نکته سوم، این که مقام و منزلت امام رضا (علیه السلام) با پذیرفتن ولایتعهدی مأمون کاستی یافته و از چشم طرفدارانش خواهد افتاد و دیگر کسی او را به عنوان یک چهره منزه و مقدس نخواهد شناخت و معلوم خواهد شد که آنچه او ادعا می‌کند نه کم و نه زیاد هیچ ندارد. و رای

۱- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، صص ۴۱۷-۴۵۴، ابن اثیر جوزی، الکامل، ج ۶، ص ۴۰۸.

اهدافی که بیان شد، می‌توان این نکته را خاطر نشان کرد که مأمون با این روش، بهتر می‌توانست امام رضا علیه السلام را کنترل نماید. بدین ترتیب برای وی که امام را در چنگال خود داشت مراقبان زیادی گذاشته بود تا اخبار امام رضا علیه السلام را به وی برسانند. این مسأله سبب جدایی امام از شیعیان واقعی خود نیز گردیده بود. گرفتاری مأمون در مقابل علویان از مسائلی بود که او باید به شکلی آن را حل می‌کرد، لذا با این مسأله می‌خواست محبت آنها را به خود جلب کند و با این کار بتواند محبت خویش را نسبت به امام رضا علیه السلام بیان کند و ایشان را به شهادت برساند کسی هم متوجه خیانت او نگردد.

عکس العمل امام رضا علیه السلام

آنچه به عنوان اولین عکس العمل در این باره از طرف امام نشان داده شد این بود که آن حضرت ابتدا از آمدن به خراسان سر باز زد. طبیعی بود که نفس این عمل می‌توانست برای مأمون یک پیروزی به حساب آید. امام تا آنجا مخالفت کرد که رجاء ابن ضحاک که از طرف مأمون آمده بود، مجبور شد امام را به زور به مرو ببرد. علاوه بر این، وقتی که امام علیه السلام می‌خواست به خراسان برود، هیچ‌کدام از افراد خانواده‌اش را به همراه نبرد و این خود دلیل روشنی بود بر این که این مسافرت از نظر آن حضرت، هیچ آینده روشنی نداشته و سفری از روی امید نیست. چنین برخوردی می‌توانست کسانی را که درک درستی داشتند، به ویژه شیعیان را که در ارتباط مستقیم با امام بودند متوجه سازد که امام به اجبار این مسافرت را پذیرفته است. به طوری که آن حضرت بعدها این مسأله را برای یاران نزدیک خود بیان فرموده است. از جمله از عبدالسلام هروی نقل شده:

۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۵۲، شریف القرشی، باقر، حیاة الامام الرضا، صص ۲۱۳-۲۱۴.

«وَاللّٰهُ مَا دَخَلَ الرَّضَاَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذَا الْأَمْرِ طَائِعاً»^۱ «قسم به خدا امام رضا علیه السلام به میل خود در این امر وارد نشد، به هر روی امام علیه السلام را از مدینه بیرون آورده و از طریق بصره به فارس و از آن جا به خراسان آوردند»^۲

امام رضا علیه السلام با آگاهی از اهداف پشت پرده مأمون، پیشنهاد او را توطئه برای رسیدن به اهدافش دانست؛ از این رو از همان آغاز حتی با آمدن به خراسان مخالفت ورزید و پس از آن که دید ناگزیر است، رهسپار خراسان شد. ایشان پس از تهدید مأمون، ولایتعهدی را به گونه‌ای پذیرفت که جز نامی از ولایتعهدی چیزی بر عهده وی نباشد، از این رو شروطی قرار داد که به خوبی گویای مخالفت عملی آن حضرت با آن کار بود.^۳ شرایط امام به شرح زیر است:^۴

۱- احدی را به عنوان والی در کار دولتی منصوب نکند.

۲- هیچ کس را عزل نکند.

۳- هیچ رسمی را نقض نکند.

۴- در امور دولتی مشاوری از دور باشد.

مأمون با وجودی که این شرایط با اهدافش مغایر بود و نیت او را بر ملا می‌ساخت با آن موافقت کرد. این شروط نشان می‌دهد که امام نمی‌خواست مسئولیت وضع موجود و کارهایی را که از طرف حکومت اعمال می‌شود به عهده بگیرد و کسانی گمان کنند که آن حضرت نظارت و یا دخالتی در امور دارد، در این صورت طبعاً کسی او را متهم نمی‌کرد زیرا مسائلی که در کشور مطرح شد و دستوراتی که به مرحله اجرا در می‌آمد به پای خود مأمون گذاشته می‌شد و این

۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۰.

۲- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)، صص ۴۳۰-۴۳۷.

۳- گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، ص ۱۱۸.

۴- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، همان، ص ۱۴۰.

امتیاز بزرگی بود که امام موفق شد از مأمون گرفته و بدین ترتیب مانع از آن شود که به خاطر حضورش در تشکیلات، بدنامی برای خود فراهم کند.^۱ از این رو خود می فرمود:

«إِنِّي مَا دَخَلْتُ فِي هَذَا الْأَمْرِ إِلَّا دُخُولَ الْخَارِجِ مِنْهُ»^۲ «من در این موقع داخل نشدم، مگر مانند داخل شدن کسی که از آن خارج است.»

دعوت امام رضا علیه السلام به خراسان

در مورد این که طرح دعوت امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو از ناحیه چه کسی بود، اختلاف است. اگر چه برخی منابع عامل این کار را فضل بن سهل - وزیر مأمون - دانسته اند، بیشتر گزارش های تاریخی، این حرکت را به شخص مأمون نسبت داده اند.^۳ به هر صورت مأمون امام رضا علیه السلام را به مرو دعوت کرد و آن حضرت نخست این دعوت را به علل مختلف نپذیرفت، اما سرانجام دید چاره ای جز پذیرش این دعوت ندارد. از این رو تصمیم گرفت به خراسان بیاید ولی چون از فرجام کارش آگاه بود، نگرانی و ناخرسندی خود را از این سفر به گونه های مختلف نشان داد. از نکات مورد توجه سفر امام رضا علیه السلام به خراسان، مسیر امام در این راه است. با توجه به حضور برخی از شیعیان امام رضا علیه السلام در کوفه و قم، مأمون مسیر امام رضا علیه السلام را از راه بصره، اهواز و فارس تعیین کرد و تأکید کرد که ایشان را از راه کوهستان و قم عبور ندهند.^۴ امام رضا علیه السلام از لحظه حرکت از مدینه تا مرو همیشه از روش های گوناگونی برای شناساندن چهره شیعه بهره بردند. امام

۱- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۴۱.

۲- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳- مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۵۹.

۴- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۵۵.

در طی مسیر، احادیث را از طریق پدران‌شان به حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رساند که این بهترین روش برای معرفی مکتب تشیع و خنثی کردن توطئه‌هایی بود که شیعه را خارج از دین می‌شمرد.

حدیث سلسله الذهب

علما و روایت حدیث امام علیه السلام را احاطه کرده بودند و او بر استر شهباء (فلفل نمکی) سوار بود و عمامه بر سر داشت، و در مقدم علمای یحیی بن یحیی و اسحاق بن راهویه و محمد بن رافع و احمد بن حرب و غیر آنها بودند. وقتی مردم آن حضرت را دیدند با ظاهری که حکایت از ظاهر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌کرد، صدا به تهلیل و تکبیر بلند نمودند. آنها ناراحتی‌شان را برای امام اظهار کردند و برای او گریستند. علما و حفاظ صدا کردند: ای گروه مردم، ساکت شوید و بفهمید رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره ذریه‌اش را آزار ندهید. سپس امام رضا علیه السلام برای علما این حدیث شریف را قرائت کردند و فرمودند:

«من از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که گفت از پدرم جعفر بن صادق شنیدم که ... که از قول خدای متعال که: کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی، کلمه «لا اله الا الله» قلعه‌ای است که هر کس وارد آن شود از عذاب ایمن است.» چون مقداری مرکب او جلو رفت با صدای بلند خطاب به اهل نیشابور فرمود: «ولکن بشروطها و انا من شروطها» (اما این شرایطی دارد و من از جمله شرایط آن هستم).^۱

فعالیت‌های امام پس از ولایتعهدی الف) برپایی نماز عید فطر:

۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، همان، ص ۱۳۵.

از جمله اموری که سبب ترقی روابط مأمون با امام گردید، رفتن آن حضرت به نماز عید بود، مأمون از امام خواست تا نماز عید را بخواند، اما امام بر مبنای شرایطی که در ابتدای ولایتعهدی، با مأمون کرده بود از پذیرش اقامه نماز عید فطر عذرخواست. مأمون اصرار کرد و امام ناچار قبول کرد و فرمود: «پس من همچون رسول خدا ﷺ به نماز خواهم رفت.» مأمون نیز پذیرفت. مردم انتظار داشتند که امام رضا علیه السلام همچون خلفا با آداب و رسوم خاصی از خانه خارج خواهد شد، شگفت زده دیدند که حضرت با پای برهنه در حالی که تکبیر می گوید به راه افتاد. امیران که با لباس رسمی و معمولی این گونه مراسم آماده بودند، با دیدن این وضع، یکباره از اسبها فرود آمده و کفشها را از پا در آوردند و با گریه و تکبیر گویان پشت سر امام به راه افتادند. امام در هر قدمی که می رفت سه بار تکبیر می گفت.^۱ گفته اند که فضل به مأمون گفت: «اگر امام رضا علیه السلام بدین صورت به مصلی برسد، مردم مجذوب او می شوند، بهتر آن است که از او بخواهی برگردد. پس مأمون فردی را فرستاد و از امام خواست که برگردد، آن حضرت کفش خود را خواست، به پا کرد و سوار بر مرکب شد و باز گشت.»^۲

ب) فعالیت های علمی و فرهنگی امام رضا علیه السلام

تلاش و فعالیت های علمی و فرهنگی امام رضا علیه السلام برای شناساندن بهتر معارف دینی، از روشن ترین برگ های تاریخ زندگی آن امام علیه السلام است. حجم زیادی از فعالیت های علمی امام رضا علیه السلام در قالب مناظره و مباحثه های آن حضرت با پیروان ادیان و مذاهب دیگر و پرسش و پاسخ در زمینه مسائل کلامی و اعتقادی صورت گرفت. مجالس یاد شده را بیشتر مأمون تشکیل می داد و قصد وی از

۱- جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۴۴ و قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹۰.

برگزاری آنها تضعیف موقعیت امام علیه السلام بود، اما نتیجه مناظره‌ها همواره، به نفع امام و شیعیان پایان می‌یافت. از دیگر مواردی که می‌توان آن را به عنوانی عاملی در گسترش تشیع در ایران بیان کرد این مطلب است که با ورود امام رضا علیه السلام به خراسان، حرکت و مهاجرت گروهی از سادات و شیعیان به ایران رونق گرفت و علویان از موقعیت به وجود آمده برای امام رضا علیه السلام در حکومت مأمون استفاده کردند و به صورت گروهی وارد ایران شدند.^۱ گروهی از این سادات، مربوط به سادات طالبیه قم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

وجود پر خیر و برکت امام هشتم، و حضور ایشان در ایران باعث رونق و شکوفایی تشیع در این منطقه و ناحیه شد. مسأله ولایتعهدی ایشان از طرف خلیفه عباسی (مأمون) باعث شد که مکتب تشیع به درستی معرفی شود چرا که با توجه به مسأله ولایتعهدی آن حضرت، حضور ایشان در مناظره‌ها و لباسی که مأمون برای آن حضرت ترتیب می‌داد، شیعه و پیروان آن به درستی معرفی شدند و استدلال مخالفان باطل گشت و مردم نیز در آن اوضاع سیاسی - اجتماعی توانستند از خاندان پیامبر گرامی اسلام بهره‌وافی و کافی را ببرند. اقدامات فرهنگی و سیاسی آن امام همام، بزرگترین تأثیر را در گسترش تشیع و اسلام ناب داشته است و نه تنها افکار امام و اقدامات ایشان در عصر خویش کشتی نجات امت اسلام بوده

۱- ر.ک. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، ص ۳۵۳.

بلکه مرقد و بارگاه ملکوتی و آستان قدس رضوی هم در طول تاریخ خورشید بیداری انسان‌ها به ویژه ایرانیان و کانون پر فروغ اسلام ناب محمدی و علوی بوده است.

منابع

۱. آشوب مازندرانی، ابن شهر، المناقب، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، بیروت: دارالمعرفة، بی‌چا، بی‌تا.
۳. محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفة الاثمه، بی‌چا، قم: رضی، ۱۴۲۱ ق.
۴. جوزی، ابن اثیر، الکامل، بی‌چا، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ ش.
۵. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، بی‌چا، قم: انصاریان، ۱۳۸۷ ش.
۶. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بی‌چا، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

۷. غفاری فر، حسن، تحلیلی بر چگونگی شکل گیری شیعه در صدر اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰ ش.
۸. فضل الله، محمد جواد، عارف، سید محمد صادق، تحلیلی از زندگانی علی بن موسی الرضا علیه السلام، بی چا، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.
۹. گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، قم: چاپ و انتشارات پژوهشگاه، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. شریف القرشی، محمد باقر، صالحی، سید محمد، پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. شریف القرشی، محمد باقر، حیات الامام الرضا علیه السلام، بی چا، قم: سید بن جبیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. قمی، عباس، منتهی الآمال، بی چا، انتشارات هجرت، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، بی چا، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه اورده اخبار الائمه الاطهار، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، محقق: اسعد داغر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بی چا، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

لیلا همایونفرد^۱

چکیده

دانستن سبک زندگی ائمه و الگوبرداری از سیره و روش آنها به بهتر زیستن ما کمک می‌کند. در این مقاله به طور خاص سبک زندگی امام رضا علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته و به طور مختصر به بعضی از شیوه‌های سلوک عبادی و اجتماعی و فردی حضرت اشاره شده است. امام رضا علیه السلام به خواندن نماز اول وقت اهتمام ویژه نشان می‌دادند، قرآن را با تدبیر تلاوت می‌کردند، به بهداشت فردی نوع پوشش و خوراک دقت ویژه داشتند و با مردم کریمانه برخورد می‌کردند و ارزش انسانی افراد را لحاظ می‌کردند.

واژه‌های کلیدی

سبک، زندگی، سیره، امام رضا علیه السلام.

مقدمه

در بحران زندگی امروزه، اگر پای در مسیر انسان‌های بزرگ و راهنمایان راستین قرار دهیم و سبک و سیره‌ی آنها را در پی گیریم می‌توانیم در مسیر حقیقی گام برداریم. از این رو تکیه بر شخصیت علی بن موسی الرضا علیه السلام به عنوان یکی از برترین الگوها و شناخت سبک زندگی آن حضرت ما را در رسیدن به هدفمان یاری خواهد کرد.

۱- طلبه‌ی سطح دو مدرسه‌ی علمیه‌ی مجتهده امین.

در این مقاله بر آنیم که گوشه ای از سبک زندگی و سیره‌ی عملی حضرت امام رضا علیه السلام را بیان نماییم. در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای به جمع آوری مطالب پرداخته شده است.

سبک زندگی و الگوگیری

سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد. به عبارتی وقتی از چگونگی زیستن سخن می‌گوییم، تمام مسایل و اموری را که آدمی در متن زندگی با آن مواجه است باید مد نظر قرار داد.

در تبیین معنای سبک و شیوه‌ی سیره به هیئت، حالت روش راه رسم و ... اشاره شده است. در قرآن آیات فراوانی وجود دارد که انسان‌ها را به الگوگیری سفارش می‌کند^۱ و نه تنها به کلیت بحث اشاره می‌کند بلکه به بیان مصادیق و نمونه‌های عملی نیز می‌پردازد.

قرآن علاوه بر این که پیامبر ﷺ را الگوی حسنه معرفی می‌نماید،^۲ به اسوه بودن حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام، مریم علیها السلام و ... نیز اشاره دارد.^۳

این بحث در زندگی ائمه نیز به خوبی دیده می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به گفتار حضرت علی علیه السلام ضمن خطبه‌ی ۱۹۲ نهج البلاغه اشاره کرد که می‌فرماید:

«من همواره در پی ایشان [پیامبر ﷺ] می‌رفتم همچون بچه شتری که در پی مادر می‌رود و ایشان هر روز یکی از صفات پسندیده‌اش را بر من آشکار می‌کرد.»

این بیانات در واقع اهتمام ویژه قرآن و اهل بیت: را به بحث الگوگیری صحیح نشان می‌دهد. در ادامه، سبک زندگی حضرت رضا علیه السلام را به عنوان یکی از

۱- لسان العرب، ج ۴۸۴.

۲- احزاب / ۲۱.

۳- ممتحنه / ۴؛ صافات / ۱۰۱ و ۱۰۲؛ آل عمران / ۳۷.

الگوهای برجسته انسانی در سه حیطه‌ی (عبادی، اجتماعی و فردی) به صورت مختصر بیان می‌نمایم.

الف) سیره‌ی عبادی

سیره‌ی عبادی امامان شیعه یکی از ابعاد برجسته‌ی زندگی آنهاست، ایشان به بحث ارتباط خالق و نوع عبادات توجه ویژه داشتند. در زندگی حضرت رضا علیه السلام نیز این اهتمام به خوبی دیده می‌شود، اما آنچه در سبک و سیره‌ی حضرت بیشتر جلب توجه می‌کند تاکید حضرت بر نماز اول وقت است چرا که نماز رکن اساسی دین است و اگر به طور شایسته توجه شود زمینه‌ی انجام دیگر عبادات را نیز فراهم خواهد کرد.

در مناظره‌ی حضرت با عمران صابی که از عالمان و متکلمان زمان بود، پس از چندی که از بحث به اوج خود رسیده بود امام رو به مأمون کرده و فرمودند: «هنگام نماز است. عمران گفت: مولای من سؤال مرا قطع نکن دلم نرم شده است. امام فرمودند: نماز می‌گذاریم و بر می‌گردیم.»^۱

نمونه‌ی دیگر از سفارش امام به این مهم در داستان همراهی ابراهیم بن موسی دیده می‌شود، آن هنگامی که ابراهیم همراه امام بود و وقت نماز رسید. امام فرمودند: «اذان بگو ابراهیم عرض کرد، منتظر باشید تا اصحاب به ما پیوندند. امام فرمودند: هرگز نماز را از اول وقت آن به آخر وقت آن به تأخیر می‌فکن.»^۲

در واقع عمل و گفتار امام به وضوح بیانگر این مطلب است که خواندن نماز اول وقت اثر ویژه‌ای در تکامل افراد دارد و هیچ چیز نباید مانع انجام آن شود.

۱- شیخ صدوق، عیون الاخبارالرضا، ج ۱، ص ۳۴۸.

۲- کریمی، امیر مهدی، سیره‌ی امام رضا علیه السلام، ص ۲۶ و صالحی، عبدالله، چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا علیه السلام، ص ۵۸.

ایشان علاوه بر نماز اوّل وقت، تأکید بر تلاوت قرآن با تدبیر داشتند و خود نیز این گونه عمل می کردند. حضرت هر سه روز یک بار قرآن را ختم می کردند و می فرمودند: «اگر بخواهیم می توانم بیش از این بخوانم ولی می خواهم با تدبیر باشد.» حضرت بعد از نماز صبح و شب هنگام به تلاوت قرآن می پرداختند و هر گاه به آیه ای می رسیدند که در آن از بهشت و جهنم سخن آمده بود گریه می کردند و از خداوند در خواست بهشت می نمودند.^۱ همسفر امام از مدینه به مرو درباره ی سیره ی عبادی حضرت چنین می گوید:

«هنگامی که ثلث آخر شب می شد امام از بستر بر می خواستند و پس از مسواک زدن و وضو به نماز مشغول می شدند و تا به صبح به عبادت مشغول بودند.»^۲

ایشان در هر دعایی که شروع می کردند ابتدا صلوات می فرستادند و در نماز و غیر آن نیز بسیار صلوات بر محمد و آل او می فرستادند.^۳ حضرت یارانشان را به شکر گذاری سفارش می نمودند و به خصوص به سجده شکر توصیه می کردند و می فرمودند: اگر ثواب عبادات با نوافل کامل نشود با سجده شکر کامل می شود.^۴ حضرت مقید به خواندن نماز جعفر طیار بودند و آن را یکی از اعمال مستحب در شب نیمه شعبان می دانستند، همچنین سه روز هر ماه از ایشان فوت نمی شد و می فرمودند این کار مانند روزه گرفتن تمام سال است.^۵

۱- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا.

۲- همان، ص ۴۲۱.

۳- همان، ص ۴۲۸.

۴- امینی، محمدباقر، منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، ص ۴۸.

۵- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ص ۴۳۲.

این موارد به طور مختصر به سیره‌ی عبادی حضرت اشاره داشت هر چند عبادات حضرت با ذکر چند جمله قابل توصیف و بیان نمی‌باشد اما به عنوان نمونه بعضی از موارد آن را بیان کردیم.

ب) سیره اجتماعی

امام رضا علیه السلام به عنوان الگوی کاملی برای انسان‌ها، دارای منشی بودند که همگان را به شگفتی وامی‌داشت و دوست و دشمن را فریفته خود می‌ساخت. حضرت هرگز سخن کسی را پیش از پایان آن قطع نمی‌کردند نزد کسی که در حضورش نشسته بود پای دراز نمی‌کردند، کلمه‌ای به زیان کسی بر زبان نمی‌آوردند، به دوستان و غلامان هرگز سخن ناشایست نمی‌گفتند، در خندیدن قهقهه نمی‌زدند و خنده‌اش تبسم بود.^۱ ایشان بسیار کم خواب بودند و بسیار بیداری می‌کشیدند اما هرگز با کسی بی‌ادبی نمی‌کردند و این کم خوابی در تعاملاتشان اثر منفی نداشت. حضرت به مقروضین عنایت ویژه‌ای داشتند و در خواست مالی افراد را برآورده می‌ساختند به طوری که گاهی هنوز درخواست خود را بر زبان نیاورده بودند، حضرت او را بی‌نیاز می‌کردند. حتی در نوع بخشش هم رعایت حال قرض گیرنده را می‌کردند و گاهی از پشت پرده یا به طور پنهانی پول را به دست او می‌رساندند یا از تاریکی شب استفاده می‌کردند تا عزت نفس طرف مقابل حفظ شود و او شرم‌منده نشود، در این باره می‌توان به نقل یسع بن حمزه اشاره کرد. او می‌گوید:

«روزی در مجلس امام رضا علیه السلام مشغول گفتگو با حضرت بودیم که ناگهان مردی وارد مجلس شد و گفت: مردی هستم از دوستان شما که در حال بازگشت از زیارت

خانه خدا خرجی خود را تمام کرده ام اگر مرا یاری کنید تا به شهر خود بروم آنچه را مرحمت نمایید از طرف شما صدقه خواهم داد، امام فرمودند: بنشین و بعد از اتمام صحبت با یارانشان به حجره رفتند و در را بستند و از بالای در دست مبارکشان را بیرون آورده و فرمودند مرد خراسانی کجاست؟ او آمد و امام دو دست دینار به او دادند و فرمودند: برو و از جانب ما صدقه مده. سلیمان گفت به امام گفتم: چرا چنین کردید امام فرمودند: چون نیاز او را بر آوردم، نخواستم ذلت خواهش را در چهره او ببینم.^۱

لطف و احسان امام حد و مرزی نداشت، ایشان حتی پیش از شروع غذا نیز سهم مساکین را جدا می کردند. روایت است که هر گاه سر سفره می نشستند ظرفی پیش آن جناب می گذاشتند حضرت قبل از این که شروع به میل کردن غذا بفرمایند از غذاهای گوناگون حاضر در سر سفره برداشته و در آن ظرف می گذاشتند و سپس دستور می دادند آن را به فقرا بدهند. یا این که روش حضرت بر آن بود که در هنگام صرف غذا همه را سر یک سفره می خواند حتی تیمارگران اسبان را.^۲

حضرت بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد بودند و توصیه می کردند که دیگران نیز چنین باشند. در روایتی از حضرت آمده در قیامت کسی به من نزدیکتر است که در دنیا خوش اخلاق تر و به خانواده خود نیکو کارتر باشد.^۳

امام رضا علیه السلام در همه تعاملات اجتماعی خویش سعی می کردند انسانیت افراد را مورد احترام و تکریم قرار دهند، در میهمانی ها و نکوداشت میهمان بسیار کریمانه عمل می کردند و تا حد ممکن آنها را مورد تکریم قرار می دادند. بزنبطی از رفتار امام در این زمینه چنین نقل می کند که: امام مرکبی برایم فرستاد تا به نزد حضرت بروم. پس از آن که شام برایم

۱- علامه مجلسی، زندگی حضرت رضا علیه السلام، ص ۹۳.

۲- همان، ص ۸۹؛ صالحی، عبدالله، چهل داستان، ص ۱۲۰.

۳- صدوق عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۱۴.

آوردند امام فرمودند برایم رختخواب بیاورند. امام شخصاً رو انداز به رویم انداخت و فرمودند: خداوند شبت را به سلامت بدارد.^۱

امام در جایی دیگر در این زمینه می‌فرمایند: از حقوق میهمان آن است که تا آنجا که او را از حریمت خارج می‌کنی مشایعتش کنی.^۲ این بیان حضرت به وضوح نشان می‌دهد که ارزش انسان‌ها در سیره‌ی ائمه چقدر دارای اهمیت است و عمل و رفتار تمامی امامان شیعه این مطلب را تأکید می‌کند.

اینها گوشه‌هایی از عملکرد حضرت رضا علیه السلام است که در زندگی و تعاملات با اطرافیان خود به کار می‌بردند و در واقع شیوه و روش زیستن را به ما می‌آموزند.

ج) سیره‌ی فردی

انسان‌ها بیش از هر چیز به خود و شخصیت خویش ارج می‌نهند و خود را باور دارند و از دیگران نیز در روابط اجتماعی انتظار دارند که به شخصیت آنان احترام گذارند. در واقع همه انسان‌ها باید برای هویت خویش ارزش‌گذاری کنند. سخن معروفی از امام رضا علیه السلام است که خطر بی‌هویتی را گوشزد می‌کند. ایشان می‌فرمایند:

«پنج ویژگی چون در کسی نباشد به او امیدی از دنیا و آخرت نیست، یکی این که ریشه‌ای محکم در وجود خود نشانند که بدان اعتماد کند و دوم این که کرمی در سرشت خود نبیند و سوم این که استحکامی در خود خویش نیابد چهارم و پنجم این که نجابتی در ذات خود نبیند و ترسی از پروردگار نداشته باشد.»^۳

۱- همان.

۲- همان، ص ۱۲۶.

۳- امینی، محمدباقر، منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، ص ۵۶.

امام در زندگی خویش به این مهم توجه داشته و هم برای خود فردی ارزش گذاری می کردند و هم به دیگران چنین توصیه ای داشته اند. ایشان حتی برای تقسیم اوقات روزانه ساعتی برای خود اختصاص می دادند و می فرمودند:

«سعی کنید اوقات شما چهار بخش باشد، ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای کار، ساعتی برای معاشرت با برادران و ساعتی برای لذات غیر حرام و با این ساعت اخیر است که بر امور سه ساعت دیگر توانایی می یابید.»^۱

با نگاه دقیق به زندگی امام رضا علیه السلام در سیره ی فردی می توان چنین برداشت کرد که امام هم به خودشناسی تأکید داشتند و برای بعد معنوی خویش برنامه داشتند و هم برای بعد مادی (جسم) و شاهد این مدعا هم روایات فراوان حضرت در این زمینه است و هم رفتار و عملکرد ایشان تأیید این مطلب را می رساند. دو روایت گذشته که در ابتدای این بحث آورده شد و همچنین نحوه ی عبادت و ارتباط حضرت با خدا در واقع نشان دهنده ی اهمیت به بعد معنوی است اما در بعد جسمی به نمونه های زیر اشاره می کنیم:

حضرت رضا علیه السلام به نوع پوشش، نوع خوراک نحوه ی تفریح و مسافرت و ... توجه داشتند. آن حضرت همیشه با ظاهری آراسته و زیبا در عین ساده زیستی در میان مردم ظاهر می شدند، تابستان ها روی حصیر و در زمستان بر روی نمذ می نشستند و جامه ی خشن می پوشیدند.^۲ ایشان می فرمودند که از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راه های مشروع بر آورید^۳ چرا که تفریح مشروع انسان را در زندگی یاری می کند و با کمک آن بهتر به موردنیای خویش موفق خواهند شد.

۱- همان.

۲- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۱۶.

۳- امینی، محمدباقر، منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، ص ۶۹.

حضرت به بحث بهداشت و نظافت فردی بسیار اهمیت می‌دادند خصوصاً بر بهداشت دهان و دندان، استحمام، گرفتن ناخن و ... ایشان هرگز آب دهان در معابر عمومی نمی‌انداختند.^۱

ایشان به بحث خوردن و آشامیدن توجه ویژه‌ای داشتند از جمله این‌که می‌فرمودند در آغاز خوردن، غذاهای سبک بخورید، تا هنوز اشتها دارید دست از خوردن بکشید چرا که هر کس پر خوری نکند سلامتی او فزون‌تر است و فکر او بازتر است. حضرت بر شام خوردن در شب تأکید داشتند گرچه تکه نانی باشد همچنین معتقد بودند که آنچه با معده‌تان سازگارتر است بخورید و در تابستان غذاهای باطبع سرد و در زمستان غذای با طبع گرم میل کنید.^۲ حتی در بحث خوراک به خورده‌نانه‌های سفره توجه می‌کردند و به نقل از رسول خدا می‌فرمودند:

«ریزه‌های نان ریخته شده در اطراف سفره مهریه حورالعین است یعنی هر کس مانع ریختن آنها شود و از اسراف جلوگیری کند، در واقع جزایش در آخرت حورالعین است.»^۳

سیره امام رضا علیه السلام در زندگی در واقع بیان و نمودی از زندگی انسانی است که در تمام ابعاد آن خدا را مورد توجه قرار داده و در مسیر صحیح و صراط مستقیم گام بر می‌دارد. ما در این مختصر اشاره‌ای کوتاه به بعضی از موارد آن داشتیم. به امید آن‌که همه ما بتوانیم پیرو راستین آن حضرات باشیم.

حسن ختام این مقاله، کلام گوهر باری از آن حضرت خطاب به همه دوستان و شیعیان است ایشان می‌فرمایند به دوستان ما بگویید:

۱- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۳۲.

۲- امینی، محمدباقر، منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، ص ۷۶.

۳- شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۳۲.

«شیطان را به دل‌های خویش راه ندهند، در گفتار خویش راست گو باشند، امانت را ادا کنند خاموشی را پیشه خود سازند، از جدال و نزاع بیهوده بپرهیزند، به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند زیرا این کار منجر به نزدیکی به من است.»^۱

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب بیان شده حضرت رضا علیه السلام در همه ابعاد زندگی روشمند و دارای برنامه بودند و همه اعمال حضرت در راستای اهداف الهی انجام می‌شد امید است هم‌ی ما ادامه دهنده‌ی راه ائمه باشیم.

۱- شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۴۷.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: الهی قمشه‌ای.
۲. امام علی بن ایطالب علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، محمد، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ش.
۳. پورامینی، محمدباقر، سبک زندگی منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲ ش.
۴. حکیمی، امیر مهدی، سیره‌ی امام رضا علیه السلام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۵. صالحی، عبدالله، چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا علیه السلام، قم: ناشر مهدی‌یار، ۱۳۸۱ ش.
۶. صدوق، ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج ۱ و ۲ ترجمه: غفاری، علی اکبر، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۳ ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، زندگی امام رضا علیه السلام، ترجمه: خسروی، موسی، تهران: اسلامیة، ۱۳۸۰ ش.
۸. مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.